

## مدرنیته و تأثیر آن بر هویت‌یابی زنان در فضاهای عمومی شهری

### (مورد مطالعه: پارک ائل‌گلی تبریز)

طلا رشیدی\* - دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک، گروه برنامه‌ریزی شهری، اراک، ایران  
عباس ملک‌حسینی - دکتری برنامه‌ریزی شهری، عضو هیئت علمی و استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد ملایر، گروه برنامه‌ریزی شهری

پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۴/۱۹ تأیید مقاله: ۱۳۹۳/۷/۲۲

#### چکیده

اگر مدرنیته را منش و شیوه زندگی امروزی و جدید که به جای شیوه کهن نشسته و آن را نفی کرده است تعریف کنیم، درمی‌یابیم که دگرگونی‌های مداومی داشته و هرگز دست‌یافتنی نبوده است. این پدیده در مسیر تاریخی خود با مسئله تغییر شکل شهرها و رشد شهرنشینی و پیدایش نهادهای جدید اجتماعی، حضور مردم در عرصه‌های مختلف و ایجاد نظام‌های قانونی همراه شده است. مدرنیته همه ابعاد زندگی را در جهان و به‌ویژه در کشورهای جهان سوم مانند ایران دگرگون کرده است. یکی از مهم‌ترین دگرگونی‌ها در شهرهای ایران حضور زنان در فضای عمومی شهری است. هدف این مقاله بررسی دگرگونی‌های شکل‌گرفته در عرصه‌های عمومی شهری، به عنوان عرصه تجلی مدرنیته برای پذیرش زنان است. برای بررسی این تحولات، پارک‌های شهری به عنوان یکی از مهم‌ترین فضاهای شهری مدرن که از نتایج مدرنیته به‌شمار می‌رود، انتخاب شده است. تأکید در اینجا بر دگرگونی‌های عرفی و ساختاری حاکم بر جامعه و نیز تأکید بر انتخابی بودن حضور در عرصه عمومی است. به عبارت دیگر، پیدایش نهادهای مدرنی مانند دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و نیز وارد شدن زنان به بازار کار، حضور آنها در عرصه عمومی را تا حد زیادی اجتناب‌ناپذیر کرده است. ولی اینها نمی‌تواند تنها عوامل گریزناپذیر حضور گسترده زنان در عرصه عمومی شهری باشد؛ بلکه دگرگونی در عرف‌ها، علایق، رفتار و سبک زندگی نیز تأثیر زیادی در این حضور دارد. روش تحقیق بر اساس هدف، کاربردی و به لحاظ ماهیت تحقیق، توصیفی - تحلیلی و از نوع پیمایشی است. برای گردآوری اطلاعات از روش‌های اسنادی و پیمایشی پرسش‌نامه و مصاحبه و روش‌های میدانی مشاهده و تجربه زیسته استفاده شده است. جامعه آماری از طریق توزیع پرسش‌نامه و به صورت نمونه‌گیری تصادفی ساده از زنان استفاده‌کننده از پارک ائل‌گلی به صورت تخمین شخصی ۱۹۶ نفر بوده است. بر اساس نتایج تحقیق، درست است که درباره نحوه حضور زنان امروزی در فضاهای عمومی نسبت به زنان سنتی دگرگونی‌های زیادی حاصل شده است؛ زنان از «چهاردیواری» و «اندرونی» بیرون آمده‌اند و امکاناتی مانند رادیو، تلویزیون، اینترنت، ماهواره و غیره شکل‌های جدیدی از رابطه و فرصت‌های زیادی برای ارتباط با بیرون از خانه را برای آنان فراهم آورده است. با وجود این، غالب زنان استفاده‌کننده از پارک‌ها همراه خانواده به پارک می‌روند. البته درصد کمی از زنان نیز اظهار داشته‌اند که به‌تنهایی در پارک‌ها حضور پیدا می‌کنند که نشان‌دهنده تأثیرات پنهان مدرنیته در شکستن بسیاری از بت‌های ذهنی و ارزش‌های سنتی حداقل در بخشی از جامعه است. یعنی با وجود اینکه حضور گسترده زنان در فضاهای عمومی ناشی از ضرورت‌های مدرنیته است، اما بخشی از جامعه زنان حضور در فضاهای عمومی مانند پارک را به عنوان فرصتی برای آزادی، استقلال و هویت‌سازی مستقل از مردان برای خود می‌دانند؛ مانند کسانی که برای پرسه‌زنی، دوست‌یابی، دیده شدن و دیدن به پارک می‌روند.

کلیدواژه‌ها: پارک، تبریز، زنان، فضای عمومی شهری، مدرنیته

## طرح مسئله

در تفکرات شهرسازی سنتی، زنان به حوزه خصوصی و مردان به حوزه عمومی تعلق داشته‌اند. بر همین اساس، ورود زنان به عرصه عمومی پدیده‌ای نوظهور است؛ زیرا بر مبنای تعاریف عرفی، فرهنگی و شاید سنتی، زنان همیشه بخشی از حوزه خصوصی دیگران (مردان) به‌شمار می‌رفتند و نمی‌توانستند برای خود حوزه‌ای مجزا داشته باشند. مهم‌تر از آن اینکه زندگی زنان در فرهنگ ایرانی در دو فضای کاملاً تعریف‌شده امکان می‌یافت؛ اول خانه پدر و دوم خانه شوهر و با قطعیت تمام حالت سومی وجود نداشت. این تعریف تنها نوعی نام‌گذاری فضایی نبوده، بلکه بخشی از اجزای عریض و طویل و نامحدود مناسبات اجتماعی است که زنان را به عنوان عنصری متعلق به حوزه خصوصی مردانه معرفی می‌کند. به گفته شهری (شهری، ۱۳۶۷: ۴۷۲-۴۷۰) حضور زنان در فرهنگ سنتی ایرانی چنان محدود بوده که در خارج از خانه اغلب نام و نشانی از آنان مطرح نمی‌شده است و حتی خانواده‌ها تمام سعی خود را به کار می‌بستند که کمتر زنان و دخترانشان از خانه خارج شوند و همه خانواده‌ها به زن و دختر خود و نیز به مکان‌هایی که می‌باید در آن حتی برای طلب علم و سواد حضور پیدا کنند بدگمان بودند و مانع حضور آنها در این مکان‌ها می‌شدند.

اما در صد سال گذشته فضای اندرونی و کنترل‌شده به آهستگی مفهوم مکانی خاص خود را برای همیشه از دست داد. سپس این فضا توانایی انتقال از خانه به محله و فضاهای بزرگ شهری را پیدا کرد. این توانایی نه تنها در عرصه‌های عمومی شهری نمودار شد، بلکه به نوعی چگونگی حضور زنان در محیط شهری را تحت تأثیر قرار داد (رحمت‌آبادی، ۱۳۸۷: ۹۵). بدین ترتیب، جامعه ایرانی در دهه‌های اخیر با ورود بیش از پیش زنان و دختران جوان به محیط‌های کار و آموزش که در تناقض با دیدگاه‌های سنتی بود، مواجه شده است. افزایش زنان در محیط‌های آموزشی و کار باعث افزایش حضور آنها در عرصه‌های عمومی شهری شده است. این افزایش حضور به نوعی اجتناب‌ناپذیر بوده و هدف تحقیق حاضر نیست. هدف این پژوهش بررسی حضور زنان در عرصه‌های عمومی با توجه به بحث گفتمان مدرنیته است (البته حضور زنان در مراکز آموزشی، اشتغال و غیره از ثمرات غیرمستقیم ورود مدرنیته به ایران است). به عبارت بهتر، بحث تأثیر مدرنیته در تغییر دیدگاه‌های جامعه و دگرگونی ارزش‌ها در جامعه مطرح است که باعث کاهش محدودیت‌های حضور زنان در عرصه‌های عمومی شده است. مدرنیته تمامی ابعاد زندگی را در جهان و به‌ویژه در کشورهای جهان سوم مانند ایران دگرگون کرده است. بر همین اساس سؤالات تحقیق به‌صورت زیر خواهد بود:

۱. آیا حضور گسترده زنان در عرصه عمومی نتیجه ضرورت‌های اجتماعی جامعه امروزی مانند اشتغال و تحصیل زنان

است، یا این حضور گسترده بیشتر به تأثیرات پنهان مدرنیته در دگرگونی دیدگاه‌ها و ارزش‌های جامعه برمی‌گردد؟

۲. زنان برای حضور در عرصه عمومی به‌صورت عام و حضور در پارک‌های شهری به‌صورت خاص چه مسائل و

مشکلاتی دارند؟

۳. چه ارتباطی بین حضور زنان در عرصه عمومی و هویت‌یابی آنان وجود دارد؟

## مدرنیته و ابعاد آن

مدرنیته یعنی منش و شیوه زندگی امروزی و جدید که به‌جای شیوه کهن نشسته و آن را نفی کرده باشد. به تعبیری

دیگر، مدرنیته یعنی درک این واقعیت که چیزهایی از زندگی کهنه در زندگی نو باقی مانده‌اند و ما باید با آنها بجنگیم (بهنام، ۱۳۸۲: ۱۱). در این صورت، مدرنیته موقعیت آرامی نیست که در آن همه سنت‌ها و باورهای عمیق از میان رفته باشد و آدم‌ها خوش و خرم به گونه‌ای پیروزمندان زندگی کنند؛ برعکس، مدرنیته به معنی تخریب مداوم سنت‌ها و باورهای کهنه‌ای که با شیوه زندگی همراه شده‌اند و تولید شیوه‌های تازه زیستن است؛ آن هم نه در شکل‌های قدیمی، بلکه در شکل‌هایی امروزی که بازشناسی آنها خود مسئله‌ای جدید است. مدرنیته یک رویکرد عقلانی است که بازتاب آن حرکت پیوسته رو به جلو است. مدرنیته نو شدنی است که در فکر یا در عالم خارج رخ می‌دهد و غالباً از پیش برنامه‌ریزی شده نیست و به عزم کسی پدید نیامده است و به عزم کسی هم عوض نمی‌شود. اکتاویو پاز در خطابه خود در استکهلم می‌نویسد: «ما مدرنیته را در دگرگونی‌های پیاپی‌اش دنبال می‌کنیم؛ ولی هرگز به آن دست نمی‌یابیم. همواره از ما می‌گریزد...» (جابری‌مقدم، ۱۳۸۶: ۲۵).

یکی از مهم‌ترین ابعاد مدرنیته تغییر دیدگاه‌ها و نگرش‌های انسان مدرن به جهان، به خود و به زندگی است. قرون وسطی با نگاه به مرگ و گناه، به زندگی می‌اندیشید. در دوره رنسانس، زیبایی و زندگی جای مرگ و گناه را می‌گیرد. بنابراین، «با شروع رنسانس ما با انسانی روبه‌رو هستیم که آفریننده است نه گناهکار» (جهانبگلو، ۱۳۸۱: ۴۱ و ۴۲). بر همین اساس، نگرش انسان مدرن به جهان و خودش عوض شده است؛ نگرشی که محصول «بحران» ذاتی مدرنیته و ایده تنظیم‌کننده مدرنیته است.

یکی دیگر از مهم‌ترین زوایای مدرنیته رویکرد انسان نسبت به خود، به عنوان یک موجود فردی و اجتماعی است. منظور از فرد به عنوان ارزش متعالی این است که تشخیص نهایی حقیقت، درستی، عدالت، خوب و بد با فرد است و اینکه فرد، حقوقی در برابر جمع دارد و ممکن است نظر یک فرد درست باشد، در حالی که بقیه افراد جامعه اشتباه کنند. این همان دیدگاه فرد به عنوان ارزش متعالی است که مدرنیته آن را پذیرفته است. در فلسفه‌های شرقی چنین موجودی وجود دارد، ولی این موجود بیرون از جامعه است. آوردن این فرد در داخل جامعه در واقع همان پروسه مدرنیته است. بنابراین فرد بیرون از دنیا که دنیا و اجتماع و ارزش‌های اجتماعی را قبول ندارد و به حقیقت فردی و شخصی معتقد است، طی یک پروسه وارد جامعه می‌شود و کل جامعه مدرن را چنین افرادی تشکیل می‌دهند (گنجی، ۱۳۷۵: ۱۷۷ و ۱۷۸).

در دنیای متجدد کنونی، همه ما نه فقط از شیوه‌های زندگی معینی پیروی می‌کنیم، بلکه به تعبیری دیگر که اهمیت زیادی هم دارد، ناچار به این پیروی هستیم؛ در حقیقت ما انتخاب دیگری جز گزینش نداریم. شیوه زندگی را می‌توان به مجموعه‌ای کم‌وبیش جامع از عملکردها تعبیر کرد که فرد آنها را به کار می‌گیرد، چون نه فقط نیازهای جاری او را برمی‌آورند، بلکه روایت خاصی را هم که وی برای هویت شخصی خود برگزیده است در برابر دیگران متجسم می‌کنند.

## زنان و تحولات حضور در فضای عمومی

فضای شهری عمومی، مکانی کلیدی است که در آن بازیگران مختلف و مؤثر با همدیگر برخورد می‌کنند؛ بنابراین تبدیل به «روح» شهر شده و زمینه‌های پرورش شخصیت شهر را فراهم می‌آورد (Panu, 2005: 15). هناف و استرانگ (Henaff and Strong, 2001: 35) یادآوری می‌کنند که فضای عمومی نشان‌دهنده مجموعه‌ای از روابط اجتماعی،

عرف‌های سیاسی و فعالیت‌های قانونی است. به‌علاوه، فضاهای عمومی شهری به دموکراتیک‌سازی استفاده از فضا در شهر کمک می‌کنند و بنابراین، ایجاد و توسعه هویت شهری و شکل‌گیری شهروندی را تسریع می‌بخشند. در یک نگاه کلی، مکان‌های عمومی اصلی در شهرهای اسلامی را می‌توان شامل میادین، مراکز مذهبی (شامل مساجد، تکایا، امام‌زاده‌ها و گورستان‌ها)، بازار (سرپوشیده و باز) و باغ‌های عمومی (شامل باغ‌ها، انواع پارک‌ها و فضاهای سبز) دانست (Alizadeh, 2007: 411).

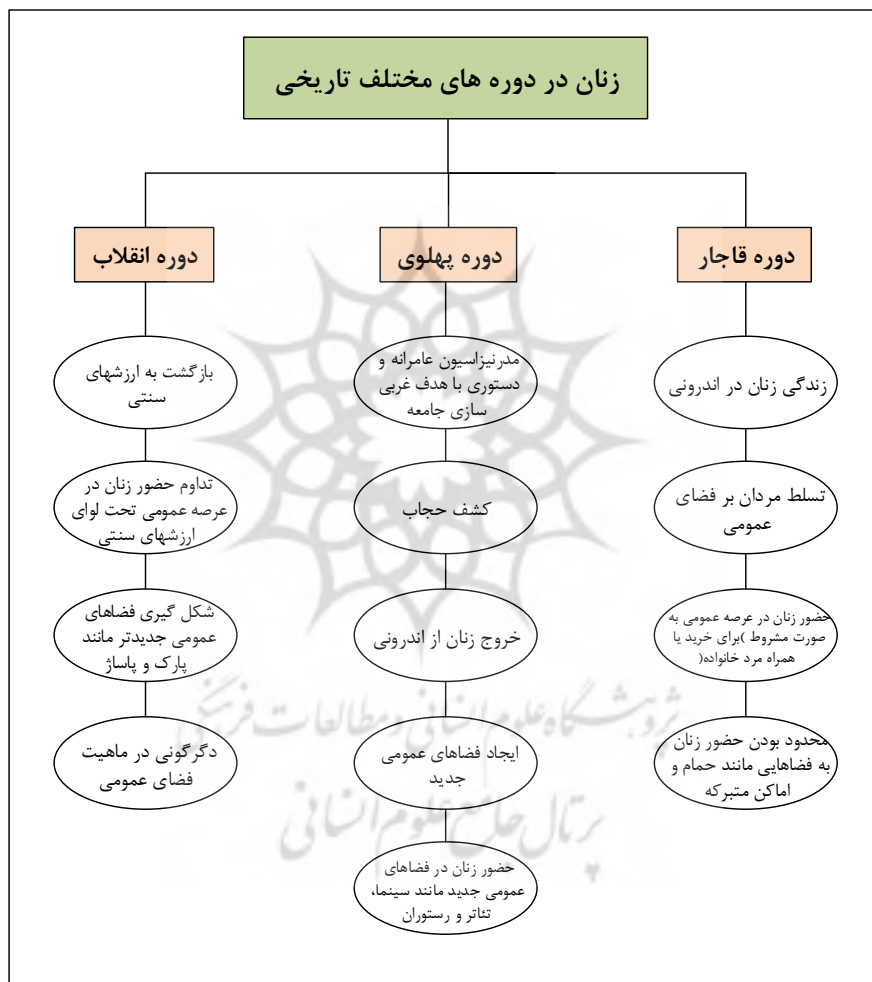
آنچه از منابع تاریخی برمی‌آید، این است که در دوران قاجار زنان دارای نقش چندان فعالی در هیچ‌یک از امور نبودند و به همین جهت جای چندان در تفریحات نداشتند و سهم و بهره‌ای از سرگرمی‌های رایج نمی‌بردند. جز آن دسته از زنان که همراه با خانواده خود به زیارت اماکن متبرکه می‌رفتند، تقریباً بقیه تفریحات جنبه مردانه داشت. اما این نکته به این معنی نیست که زنان هیچ‌گونه وسیله تفریحی نداشتند، بلکه آنها نیز مجموعه‌ای از وسایل و امکاناتی برای برپا کردن ایام فراغت خود داشتند که از آن جمله می‌توان به برگزاری مجالس روضه‌خوانی زنانه در منزل، شرکت در مجالس روضه‌خوانی و مجالس قرائت قرآن و حدیث اشاره کرد که در گذشته ابعاد گسترده‌ای داشت (حسن بیگی، ۱۳۶۶: ۳۶۶-۳۶۵).

با ورود مدرنیزاسیون و شکل‌گیری جامعه مدرن در زمان پهلوی، فضای خصوصی کوچک‌تر شد و مردم رو به عرصه‌های عمومی آوردند. در نتیجه، حضور زنان هم در این عرصه‌ها بیشتر شد. گذران اوقات فراغت که اساساً یک پدیده مدرن محسوب می‌شود، در عرصه‌های عمومی شکل گرفت. محل کار از خانه فاصله گرفت و حمل‌ونقل عمومی گسترش یافت. یکی از مهم‌ترین رویدادها در شکل‌دهی فضاهای فراغتی در اوایل دوره معاصر تصویب قانون کشف حجاب در عرصه‌های عمومی در اوایل قرن و تصویب قانون رعایت الزام حجاب در اواخر قرن حاضر بوده است. قانون کشف حجاب در نوع و میزان حضور زنان در فضاهای شهری تأثیر بسیار زیادی بر جای گذاشت. از سوی دیگر، این دوره آغاز تشدید مظاهر مدرنیسم به فضاهای شهری به شمار می‌آید. در این دوره، فضاهای عمومی جدیدی مثل کافه، سینما، تئاتر، رستوران و... به‌وجود آمد که زنان و مردان می‌توانستند در این مکان‌ها حضور یابند و در کنار هم بنشینند (شهری، ۱۳۶۷: ۳۸۶). در دوره پهلوی استخرها و مراکز ورزشی زنانه و مردانه تأسیس شد که به‌صورت جداگانه و با رعایت تفکیک جنسیتی فعالیت می‌کردند.

با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، شکل و میزان حضور زنان در عرصه‌های عمومی دگرگون شد. چند ماه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، زنان موظف به رعایت پوشش اسلامی برای ورود به عرصه‌های عمومی شدند. در این دوره حضور زنان در فضاهای فراغتی در صورتی ممکن شد که زنان پوشش و حجاب مناسبی داشته باشند. یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌دهی به فضاهای فراغتی در این دوره تفکیک جنسیتی فضا است. در همین راستا فضاهای فراغتی جدیدی مثل پارک بانوان، پارک‌های آبی، سالن‌های مد، لباس و آرایش و کنسرت‌های موسیقی برای بانوان به‌وجود آمد. قانون رعایت و الزام حجاب و تفکیک جنسیتی فضا، به دلیل فراهم آوردن شرایط امن‌تر و مطلوب‌تر برای زنان باعث حضور بیشتر زنان، به‌خصوص افراد پایین به فرایض دینی در فضاهای فراغتی شد.

برخی از فضاهای فراغتی که در دوره قبل به هر دو جنس و گاهی به دلیل حضور بسیار زیاد مردان تا حدود زیادی مردانه تلقی می‌شد، در این دوره حضور بیشتر زنان را شاهد بوده است. از نمونه‌های این فضاها می‌توان به بازارها اشاره

کرد. بازار در دوره قبل تا حدود زیادی فضایی مردانه محسوب می‌شد، حال آنکه در دوره معاصر بازارهای مدرن و مراکز خرید به عنوان یکی از مهم‌ترین عرصه‌های گذران اوقات فراغت زنان به‌شمار می‌آیند. برخلاف دوره گذشته که زنان جز برای خرید و بر حسب ضرورت از خانه خارج نمی‌شدند، در این دوره بازارهای مدرن و به‌خصوص مراکز خرید و پاساژها مکانی برای پر کردن اوقات فراغت زنان محسوب می‌شوند. به‌طور کلی در دو دهه اخیر، تحولات فرهنگی و اجتماعی که به روشن‌ترین شکل در دگرگونی سبک زندگی روزمره تجلی یافته‌اند، باعث حضور زنان در فضاهایی عمومی شده‌اند (محمدپور، ۱۳۸۹).



شکل ۱. تحولات حضور زنان در فضاهایی عمومی در دوره‌های مختلف تاریخی

### چارچوب نظری تحقیق

در طول قرن‌ها، شکلی از خانواده در ایران وجود داشت که جامعه‌شناسان آن را به اصطلاح کلی «خانواده گسترده» وصف کرده‌اند. این خانواده بر اساس «پدرتباری» و «پدرمکانی» و «اولویت جنس مذکر» استوار بود و سازمان مرتبی داشت که زیرنظر پدر اداره می‌شد. همین‌طور در این فرهنگ، رؤیت‌پذیری زنان بسیار محدود بود و لذا اغلب زنان نمی‌توانستند

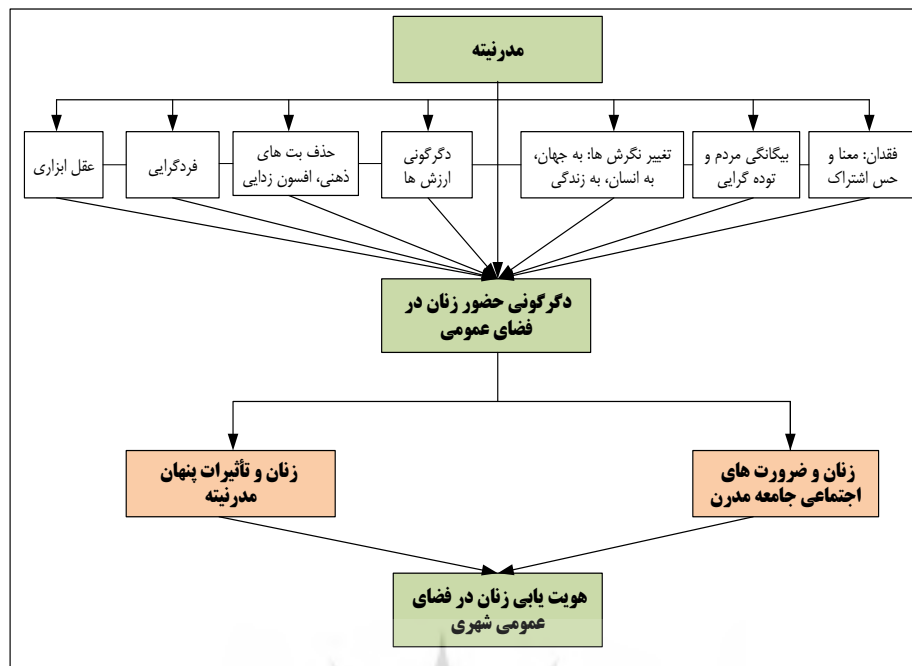
بدون دلیل در حوزه عمومی ظاهر شوند و برای حضور در حوزه عمومی باید یا دلیلی مانند کارکردن، یا بهانه ای همچون خرید می‌داشتند. منزلت اجتماعی زن ناچیز بود و به فرزند آوردن و انجام کارهای خانگی و گاهی نیز کشاورزی و نساجی محدود می‌شد (بهنام، ۱۳۸۶: ۱۶۲). در چنین وضعیت ساختاری‌ای، زنان با استفاده از تمهیدات و تاکتیک‌هایی سعی در غلبه بر محدودیت‌های مسلط و مذاکره بر سر تخصیص خلاقانه فضا پرداختند و نظم نشانه‌شناختی کارکردی غالب و نیز نظم مردسالارانه مسلط را به معارضه طلبیدند.

برخورد با تمدن غرب و نتایج آن که عبارت از تغییرات ساخت اقتصادی جامعه، رواج شهرنشینی و دخالت دولت است، در چند دهه اخیر موجب تغییرات عمده در فرهنگ سنتی ایران و خانواده‌ها و به‌خصوص شکل شهری آن شده است. این دگرگونی بیش از همه در روابط زن و مرد و پدران و فرزندان به چشم می‌خورد. روابط زوجین لاقط در محیط‌های شهری شکلی تازه به خود گرفته و زن به عنوان همدم و همکار مرد پذیرفته شده است. بررسی این تغییرات در فرهنگ سنتی ایران و ایدئولوژی حاکم بر روابط زن و مرد در عرصه‌های عمومی شهری ضرورتی است که منجر به شناخت ارزش‌های جدید در جامعه ایرانی، دیدگاه‌های گروه‌های مختلف نسبت به این ارزش‌ها، میزان مطلوبیت و نحوه برخورد و مواجهه با آنها خواهد شد.

به منظور این بررسی، فضاهای عمومی شهری به عنوان ظرف این تغییر و تحولات انتخاب شده است. از انواع فضاهای عمومی شهری (بازارها، خیابان‌ها، میادین، پاساژها و غیره) در اینجا پارک‌های شهری به عنوان نمونه انتخاب شده است. دلیل این انتخاب، ماهیت استفاده از پارک‌ها بوده است. چرا که در اغلب فضاهای عمومی مانند بازار، خیابان، میدان، پاساژ و غیره، حضور زنان در بسیاری مواقع اجتناب‌ناپذیر بوده، یا دارای توجیه است. برای مثال خرید کردن، دانشگاه رفتن، شاغل بودن و غیره باعث می‌شود که حضور زنان در این فضاها قابل توجیه باشد، هر چند که باز هم تأثیرات مدرنیته در این حضور آشکار است. اما پارک‌های شهری از آن دسته فضاهایی به‌شمار می‌روند که حضور در آنها به تنهایی و بدون همراه برای زنان در خانوارهای سنتی قابل توجیه نیست. بنابراین استفاده‌کنندگان از این فضاها نمونه‌های خوبی برای بررسی تأثیرات پنهان مدرنیته در جامعه ایرانی خواهند بود.

### روش تحقیق و معرفی منطقه تحت مطالعه

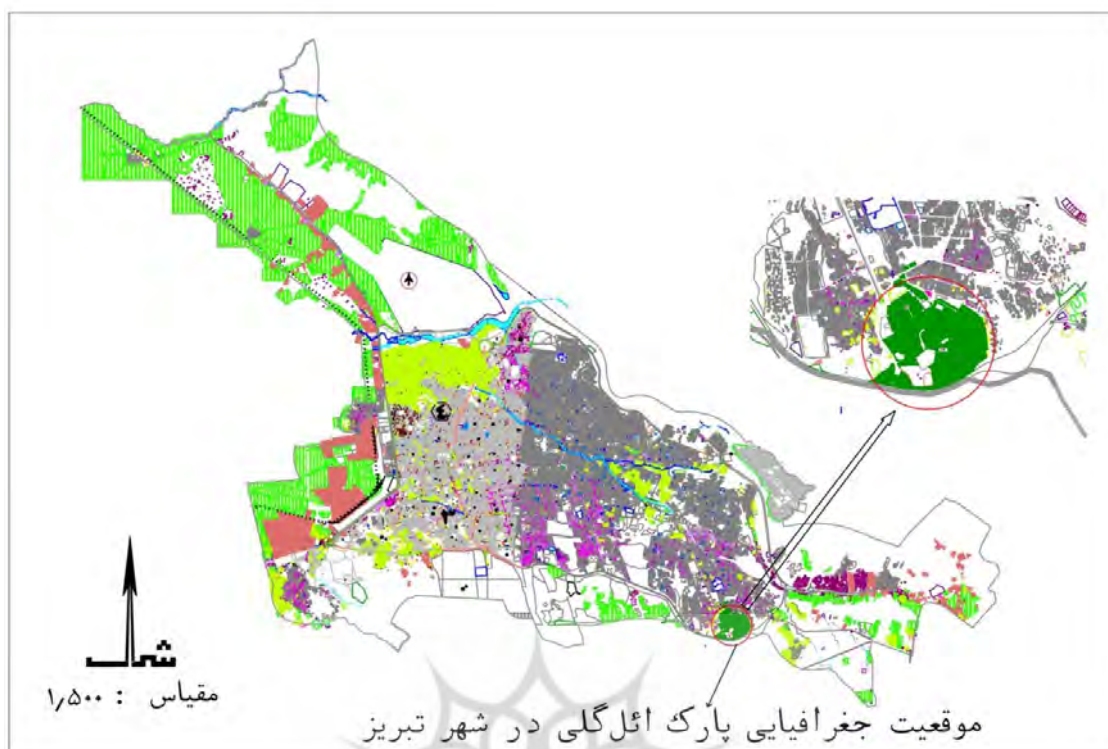
روش تحقیق بر اساس هدف، کاربردی و به لحاظ ماهیت تحقیق، توصیفی-تحلیلی از نوع پیمایشی است. برای گردآوری اطلاعات از روش‌های اسنادی و پیمایشی پرسش‌نامه، مصاحبه و نت‌برداری، عکس‌نگاری، روش میدانی مشاهده و تجربه زیسته استفاده شده است. در تنظیم پرسش‌نامه از سؤالات تخصصی چندگزینه‌ای و سؤالات طیف لیکرت استفاده گردیده است. جامعه آماری از طریق توزیع پرسش‌نامه به‌صورت نمونه‌گیری تصادفی ساده از زنان استفاده‌کننده از پارک ائل‌گلی در روزهای مختلف ماه‌های فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۳ به‌صورت تخمین شخصی تعداد ۱۹۶ نفر بوده است. برای سنجش میزان صحت سؤال‌های پرسش‌نامه با استفاده از روش تحلیل قابلیت اطمینان، ضریب آلفای تمامی سؤالات محاسبه و میزان صحت آنها اثبات شد و تحلیل اطلاعات انجام گرفت. سپس داده‌های به‌دست‌آمده برای تجزیه و تحلیل با نرم‌افزار آماری spss تحلیل شد.



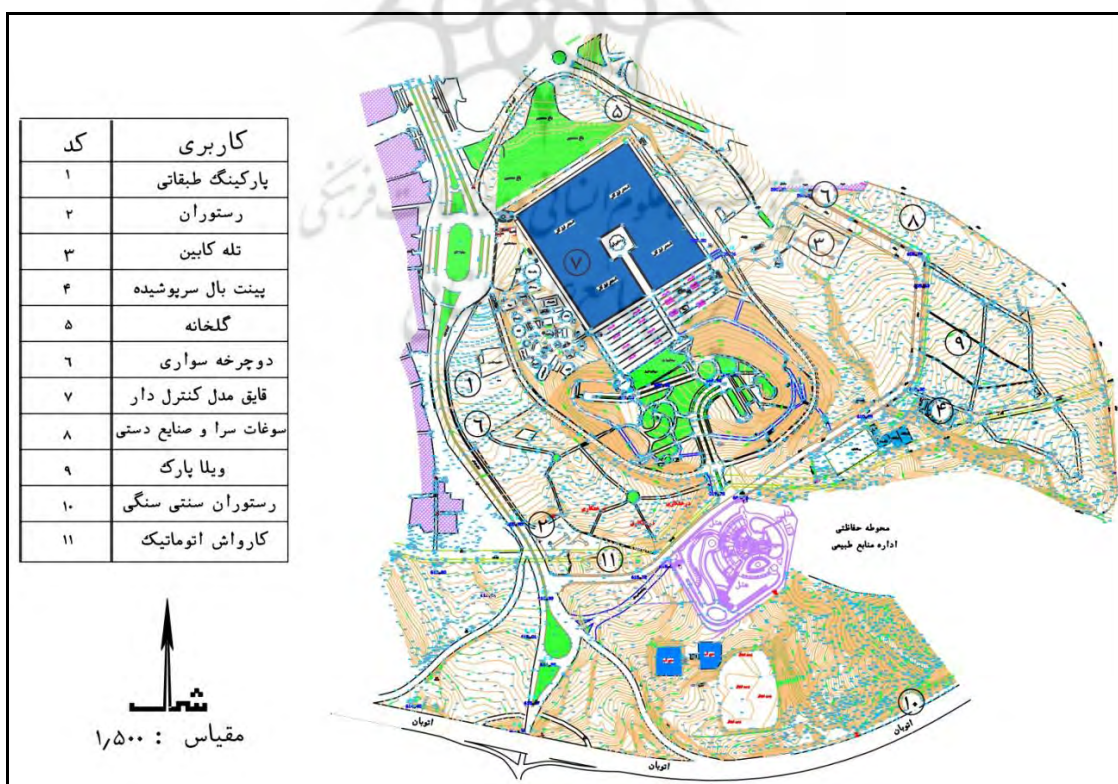
شکل ۲. مدل مفهومی تحقیق

شکل ۲ مدل مفهومی تحقیق را نشان می‌دهد. همان‌طور که گفته شد، هدف اصلی و کلان تحقیق، بررسی تأثیرات مدرنیته بر دگرگونی‌های حضور زنان در عرصه عمومی (با مطالعه موردی پارک‌ها، به عنوان یکی از مهم‌ترین فضاهای عمومی شهر مدرن) در ایران (مورد شهر تبریز) است. بدین ترتیب، دو مفهوم اساسی در این تحقیق مورد توجه است: مدرنیته به عنوان یک جهان‌بینی، و فضای عمومی شهری به عنوان ماده‌ای برای عرصه عمومی و ظرفی برای تجربه زندگی مدرن زنان. برای این کار ابتدا مدرنیته و ابعاد آن با استفاده از مطالعات اسنادی بررسی شده و زوایای مهم آن با توجه به ماهیت تحقیق شناسایی گردیده است. البته باید اشاره کرد که بحث از مدرنیته به عنوان یک جهان‌بینی بسیار گسترده و دیدگاه‌ها مربوط به آن نیز بسیار متنوع است. در اینجا زوایایی از مدرنیته مورد توجه است که در راستای تحقیق حاضر باشد. جهت اصلی تحقیق هم این است که مدرنیته به دو صورت مهم باعث گسترش حضور زنان در عرصه‌های عمومی شهری شده است. صورت اول بیشتر ناشی از ضرورت‌های اجتناب‌ناپذیر مدرنیته است که در اینجا به عنوان عقل ابزاری مورد توجه قرار گرفته و شامل مواردی مانند اشتغال زنان، تحصیل زنان، زندگی متراکم شهری و... می‌شود. صورت دوم آن تأثیرات پنهان مدرنیته در نگرش‌های جامعه در باب حضور زنان در فضای عمومی است. مدرنیته باعث تغییر نگرش‌ها به جهان و انسان و دگرگونی ارزش‌ها، فردگرایی و غیره شده است که هر کدام از اینها در حضور گسترده زنان در فضای عمومی شهری مهم‌اند. تأکید مقاله بر صورت دوم تأثیرات مدرنیته بر حضور زنان در فضای عمومی است. البته لازم به ذکر است، همان‌طور که در مدل تحقیق مشخص است، فرض بر این است که در هر دو حالت حضور انتخابی زنان در فضای عمومی یا حضور اجتناب‌ناپذیر (یا حضور ضرورتی)، زنان به دنبال تعریف هویت جدیدی برای خودند؛ نوعی هویت که مستقل از مردان است.

پارک ائل‌گلی یکی از مهم‌ترین گردشگاه‌های شهر تبریز است که در جنوب شرقی این شهر و در ۷ کیلومتری مرکز آن واقع شده است. این پارک با مساحتی حدود ۷۰ هکتار در منطقه ۲ شهرداری تبریز قرار دارد.



نقشه ۱. موقعیت جغرافیایی پارک ائل‌گلی در شهر تبریز



نقشه ۲. کاربری وضع موجود پارک ائل‌گلی تبریز



## یافته‌های تحقیق

طبق جدول ۱ درصد زیادی از افراد مورد نظر را جوانان (۵۴/۶ درصد) تشکیل داده‌اند که عمدتاً به صورت گروهی از این پارک استفاده می‌کنند، زیرا بیشتر آنها (۸۷/۷۶ درصد) ترجیح داده‌اند با همراه خود (خانواده یا دوستان) به این پارک بیایند. اینکه اغلب زنان استفاده‌کننده از فضاهای عمومی هم جوان و هم مجردند، گویای مسئله مهمی است؛ زنان برای هویت‌یابی نیاز به دیده شدن دارند. کارکرد مهم فضاهای عمومی مانند پارک این است که این نیاز زنان را برآورده می‌کند.

همچنین از نظر میزان تحصیلات، درصد زیادی از زنان تحصیلات دانشگاهی دارند که از این منظر می‌توان گفت فراغت برای زنان تبریزی موضوعی مهم تلقی شده و آنها از این فضا برای گذران اوقات فراغت خود استفاده می‌کنند. بدیهی است که مطالبات این دسته از زنان با تحصیلات دانشگاهی متفاوت از زنان با تحصیلات پایین‌تر است. این مسئله با دیدگاه موریش در ارتباط است که معتقد بود کیفیت فعالیت‌هایی که هر فرد دنبال می‌کند تا حدود زیادی نشانگر سابقه اجتماعی و یادگیری اوست. با نگاهی به استفاده‌کنندگان از پارک نیز به نظر می‌رسد تحصیلات دانشگاهی این افراد و انتظارات و نحوه گذران اوقات فراغت آنها را به سمت استفاده از پارک سوق داده است. به خصوص آنکه ۴۷/۴۵ درصد آنان را زنان متأهل و ۳۶/۷۳ درصد آنان را زنان شاغل تشکیل می‌دهند. یعنی با وجود دغدغه‌های ناشی از زندگی متأهلی و مسئولیت‌های خاص خود و با وجود اشتغال، گذران اوقات فراغت را برای خود بدیهی و لازم می‌شمارند. در نتیجه، به نظر می‌رسد بسیاری از زنان گذران اوقات فراغت خود را حق خود پنداشته و نمی‌توان گفت که از حقوق خود برای اوقات فراغت آگاهی ندارند، زیرا تحصیلات زنان شهری به آنها این آگاهی را خواهد داد.

جدول ۱. ویژگی‌های جامعه آماری تحقیق

متغیر	شاخص	فراوانی	درصد
۱. سن	زیر ۲۰ سال	۴۰	۲۰/۴
	۲۰-۲۹	۶۷	۳۴/۲
	۳۰-۳۹	۴۲	۲۱/۴
	۴۰-۴۹	۱۸	۹/۲
	۵۰-۵۹	۲۰	۲/۱۰
	بالای ۶۰ سال	۱	۰/۵
	جواب نداده	۸	۴/۱
	جمع	۱۹۶	۱۰۰
۲. وضعیت تأهل	مجرد	۸۶	۴۳/۸۸
	متأهل دارای فرزند	۵۴	۲۷/۵۵
	متأهل بدون فرزند	۳۹	۱۹/۹۰
	طلاق گرفته	۵	۲/۵۵
	جواب نداده	۱۲	۶/۱۲
	جمع	۱۹۶	۱۰۰

ادامه جدول ۱. ویژگی‌های جامعه آماری تحقیق

متغیر	شاخص	فراوانی	درصد
۳. تحصیلات	بی‌سواد	۱	۰/۵۱
	ابتدایی	۷	۳/۵۷
	متوسطه	۲۷	۱۳/۷۸
	دیپلم و فوق‌دیپلم	۵۷	۲۹/۰۸
	کارشناسی	۶۶	۱۳/۶۷
	ارشد و بالاتر	۲۵	۱۲/۷۶
	جواب نداده	۱۳	۶/۶۳
	جمع	۱۹۶	۱۰۰
۴. شرایط شغلی	شاغل دارای تحصیلات	۶۵	۳۳/۱۶
	غیرشاغل دارای تحصیلات	۷۴	۳۷/۷۶
	شاغل بدون تحصیلات دانشگاهی	۷	۳/۵۷
	غیرشاغل بدون تحصیلات دانشگاهی	۳۰	۱۵/۳۱
	جواب نداده	۲۰	۱۰/۲۰
	جمع	۱۹۶	۱۰۰

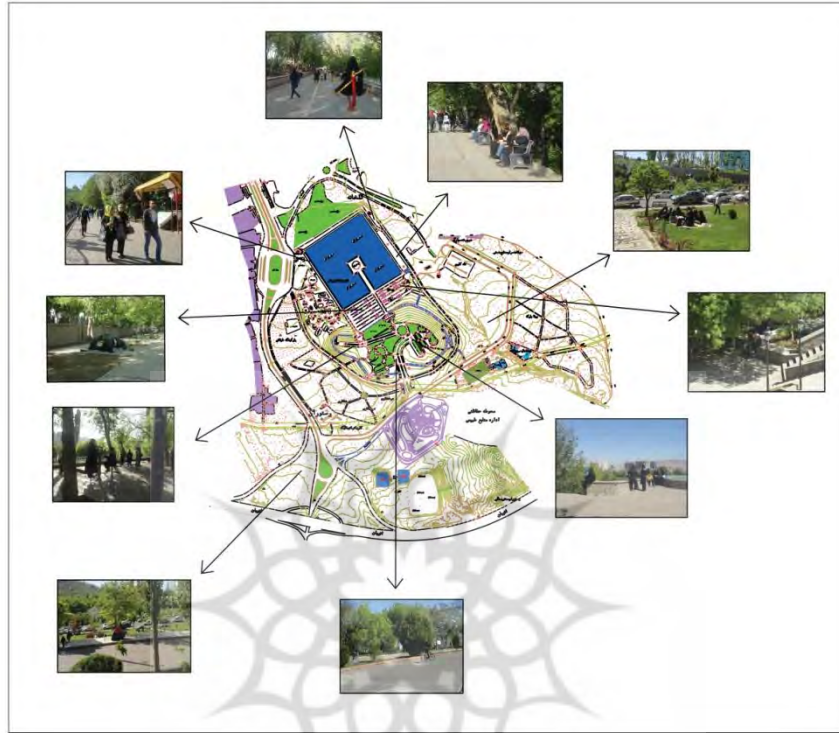
مأخذ: نتایج تجزیه و تحلیل پرسشنامه‌ها

## حضور در پارک و سیاست جدید زندگی برای زنان

گسترش شهرنشینی، کوچک شدن عرصه زندگی خصوصی و بسیاری مسائل دیگر که پیامدهای مستقیم و غیرمستقیم مدرن‌تیه‌اند، باعث شکل‌گیری یک نیروی عرفی در جامعه شده است که قواعدی را تعریف می‌کند و پیرو فرمان‌های رسمی نیست. گیدنز از اصطلاح «سیاست زندگی» برای توضیح نحوه شکل‌گیری این قواعد جدید استفاده می‌کند. او می‌گوید: سیاست زندگی وقتی ظاهر می‌شود که دیگر آداب و رسوم، کارکردی برای تعریف قواعد ندارد. یعنی آن آداب گذشته دیگر نمی‌تواند قواعد زیست جمعی ما را تعریف کند. اینجاست که عرصه‌های زیادی در زندگی پیدا می‌شود که باید درباره آنها تصمیم بگیرید.

امروزه زنان تعریف جدیدی از سیاست زندگی برای خود دارند که حضور در فضای عمومی شهری، با مقاومت در برابر دیدگاه‌های سنتی که زنان را برای اندرون می‌دانستند، به‌خوبی این سیاست را تعریف می‌کند. یکی از مهم‌ترین عرصه‌های عمومی شهری برای مطالعه و شناسایی سیاست زندگی جدید پارک‌ها به‌شمار می‌روند. امر مسلم این است که زنان برای حضور در پارک‌ها به اندازه حضور در دیگر فضاهای عمومی مانند خیابان‌ها دارای بهانه و دلیل موجه نیستند. هم پارک ائل‌گلی از مرکز شهر دور است و هم اینکه مسیری برای دسترسی به مکان‌های دیگر، یا برای خرید نیست. اگر هم باشد به اندازه خیابان‌ها نیست. ضمن اینکه بعضی پژوهشگران پارک‌ها را حتی جزو فضای شهری هم حساب نمی‌کنند. این شاید به دلیل ویژگی تفریحی پارک‌ها است که بسیاری آن را فضایی برای گردش و گشت‌وگذار خانوادگی می‌دانند. پارک‌های مدرن امروزی را تنها نمی‌توان در کارکرد تفریحی و زیست‌محیطی آنها خلاصه کرد. اگر خیابان

فضایی برای تظاهرات اجتماعی، دیدنی، فعالیت‌های مدنی و سیاسی، پرسه‌زنی و نمایش خود و مقاومت در برابر ساختارهای مسلط است، پارک‌های امروزی هم دارای چنین کارکردهایی‌اند. در پارک ائل‌گلی با فضاهای مختلفی روبرو هستیم. فضای جوانان، فضای سالخوردگان، فضای زنان و مردان جوان پرسه زن، فضای جوانان ولگرد و بیکار در کنار فضاهایی برای ورزش، گردش خانوادگی و ... .



نقشه ۳. تصاویری از مصرف فضا برای فعالیت‌های مختلف در پارک ائل‌گلی

فضاهایی چون پارک‌ها، بر عکس خیابان‌ها، پاساژها، یا مراکز خرید، حضور زن در بیرون و خروج او از خانه را مشروع نمی‌سازد. با این وجود، زنان بسیاری هستند که در این مکان‌ها بدون همراهی مرد یا شوهر و برادر و خانواده، حضور یافته



تصویر ۱. پارک فضایی برای پرسه‌زنی: طلا رشیدی، ۱۳۹۳

و در مصرف فضا مشارکت فعال دارند. در چنین مکان‌هایی است که زنان می‌توانند از کارخانه رها شده و هویت جدیدی برای خود، غیر از زن خانه بودن یا مادر بچه‌ها بودن دست و پا کنند. حضور در پارک به قول کاظمی (کاظمی، ۱۳۸۴: ۲۷۷) به معنای خروج از عرصه کار بی‌مزد زنانه و قلمروی فرمانبرداری است (البته او این اصطلاح را برای پاساژها و مراکز خرید به کار برده است). اما شکی نیست که پارک هم برای بسیاری از زنان تداعی‌کننده چنین معنایی است، حتی اگر خودشان به آن

اعتراف نکنند. در پارک‌ها فضایی متضاد با خانه پدید می‌آید، جایی که زنان می‌توانند در آن آزاد و مختار باشند. آنها می‌توانند آزادانه خود را به نمایش بگذارند، در فضای عمومی حضور یابند و با امنیت خاطر قدم بزنند. اگر بهانه زنان برای حضور در پاساژ و خیابان خرید است، بهانه برای حضور در پارک ضرورت زندگی مدرن، زندگی شهری و زندگی آپارتمان‌نشینی است. در شهرهای مدرن دیگر باغ‌های قدیمی خصوصی مثل شهرهای سنتی و قدیمی وجود ندارند؛ باغ‌هایی که محل گردش و تفریح آخر هفته بیشتر خانواده‌های مرفه و متوسط حتی فقیر بودند. بنابراین زندگی



تصویر ۲. پارک فضایی برای سلیقه‌های مختلف: طلا رشیدی، ۱۳۹۳

آپارتمان‌نشینی مدرن و نبود حیاط و باغچه و فضا برای تفریح ایجاب می‌کند که زنان برای رهایی از آلودگی، سروصدا و غیره به پارک بروند. در بسیاری از حالت‌ها این حضور همراه با مرد خانواده، یا همه خانواده است، اما کارکردهای پنهان برای زنان به‌خصوص زنان مجرد در استفاده از پارک‌ها قابل مشاهده است: کارکردهای نمایش خود، دیدزنی، پرسه‌زنی، دوست‌یابی و غیره. بنابراین نگاه به پارک‌های مدرن امروزی به عنوان یکی از مهم‌ترین فضاهای عمومی شهری باید نگاهی متفاوت از فضایی صرفاً تفریحی و گردش‌ی باشد.

### پارک‌ها فضایی برای سلیقه‌های مختلف

پارک ائل‌گلی مکانی برای زنان از گروه‌های مختلف است. زنان در اینجا فضاهای خودی در دل مکان‌های متعلق به دیگران تولید کرده‌اند. فضاهای تولیدشده به‌وسیله اقلیت‌های فرهنگی، حاشیه‌نشین‌های شهری و همه گروه‌های فرودستی بوده است که به نوعی در جامعه فراموش شده‌اند، یا کمتر به بازی گرفته شده‌اند. در اینجا است که می‌توانیم بینیم زندگی روزمره صرفاً نمایش‌دهنده و بازنمای اراده قدرت نیست، بلکه نمایش «جغرافیای فراموش‌شدگان» نیز می‌تواند باشد. زندگی روزمره بازنمای این است که بعد از انقلاب اسلامی حیطة «فراموش‌شدگان» و «حاشیه‌نشین‌ها» نه تنها کاهش نیافته، بلکه گسترش نیز یافته است. اقلیت‌هایی که تماماً محصول گسترش شهرنشینی و نوسازی در ایران‌اند. اقلیت‌هایی که به عوض جای‌گیری در مکان‌های رسمی (ادارات، عرصه عمومی، محیط کار) در فضاهای عمومی زندگی سنگر گرفته‌اند و قلمرو خود را پدید آورده‌اند؛ قلمرو زنانه‌ای که دوشادوش قلمرو مردانه است؛ قلمرو نوجوانانی که در کنار قلمرو بزرگسالان قرار دارد؛ قلمرو گروه‌های فرودست شهری که درون فضای فرادستان طبقاتی است؛ قلمرو بیکارانی که به موازات افرادی که با برنامه‌ریزی و همراه با خانواده به پارک می‌آیند، شکل می‌گیرد.

### نحوه استفاده از فضای عمومی

عرصه‌ها و فضاهای جمعی مطلوب و هماهنگ با فرهنگ، ویژگی‌ها و نیازهای اجتماعی و مناسب با شرایط محیطی را می‌توان ارزیابی انکارناپذیر در مطلوبیت فضای زندگی شهری امروز به‌شمار آورد. اجتماع‌گریزی، بی‌میلی افراد به معاشرت

و همیاری‌های اجتماعی، ناهنجاری‌های رفتاری و بی‌تفاوتی به عرصه‌های جمعی و عوارض ناشی از زندگی پرسرعت و مهاجرت‌های پی‌درپی و بی‌ثباتی سکونت در مکان‌های مشخص از سویی و فقدان فضاها و مکان‌های جمعی مناسب از سوی دیگر، نیاز به طراحی و ایجاد آنها را تشدید می‌کند.

هر چند که نقش فضاهای عمومی در یکپارچگی و یکدستی شهر کاملاً مشهود است، اما کیفیت بالا و مثبت زندگی شهری در خیابان‌ها و فضاهای باز، شرطی لازم برای جامعه است؛ به طوری که مردم را قادر می‌سازد تا از تعاملات اجتماعی لذت ببرند (رهنمایی و اشرفی، ۱۳۸۶).

امروزه بیشتر فضاهای شهری ماهیتی جنسی‌شده یافته‌اند، یعنی عملاً فضای شهری در برابر تحرک آزادانه زنان اعمال محدودیت می‌کند. به عقیده بسیاری از محققان، محدودیت‌ها و حصارهای فرهنگی ایجادشده برای زنان در فضای اجتماعی و عرصه‌های عمومی باعث شده آنان نتوانند به خوبی از موقعیت خود بهره ببرند و مجبور شده‌اند خود را همچون یک عنصر غیرلازم از صورت مسئله فضاهای شهری و عرصه‌های عمومی حذف کنند و منکر نیازهای خود به‌عنوان یک زن شوند. هر چند این روند در حال کند شدن است، اما رفتار شهری و نحوه حضور زنان در شهر مؤید آن است که وجود غیر مرد، هنوز در جامعه ایران به طور کامل پذیرفته نشده است (پوراحمد، اشرفی و رشیدی، ۱۳۹۲: ۳۶۰). گویه ۱ در جدول ۲ تا حدودی نشان‌دهنده مردانه بودن فضاهای عمومی در شهر تبریز است. به این صورت که بیشتر از ۴۸ درصد زنان «به صورت اتفاقی و هر چند هفته یک‌بار از پارک استفاده می‌کنند» در صورتی که حدود ۱۲ درصد زنان «بیشتر از ۳ بار در هفته از پارک‌ها» استفاده می‌کنند.

جدول ۲. شاخص‌های نشان‌دهنده نحوه استفاده از فضای عمومی

متغیر	شاخص	فراوانی	درصد
	یک بار در هفته	۲۷	۱۳/۷۸
	دو بار در هفته	۳۲	۱۶/۳۳
شما در هفته چند بار از فضاهای عمومی (پارک) استفاده می‌کنید؟	۳ بار در هفته	۱۷	۸/۶۷
	بیشتر از ۳ بار در هفته	۲۵	۱۲/۷۶
	به صورت اتفاقی و در چند هفته یک بار	۹۵	۴۸/۴۷
	جمع	۱۹۶	۱۰۰
	حضور با همراه (خانواده)	۹۸	۵۰/۰۰
حضور شما در فضاهای عمومی (پارک) به چه صورت است؟	حضور با همراه (دوستان و همکاران و غیره)	۷۴	۳۷/۷۶
	حضور بدون همراه	۲۱	۱۰/۷۱
	جواب نداده	۳	۱/۵۳
	جمع	۱۹۶	۱۰۰

مأخذ: نتایج تجزیه و تحلیل پرسشنامه‌ها

### پارک‌های شهری؛ فضاهایی زنانه/مردانه

در جامعه سنتی ایران، در کمتر از یک قرن پیش، زنان صرفاً در مکان‌های مشخصی آزادانه می‌توانستند حاضر شوند. مسجد، حمام و مزار سه قلمرویی بود که زنان اجازه داشتند در آن حاضر شوند. خیابان، بازار، فروشدگی و خرید، تجارت، زمین‌داری، سیاست و ... به مردان تعلق داشت (کاظمی و ابادری، ۱۳۸۳: ۱۰۵).

با ظهور فروشگاه‌های بزرگ و مراکز خرید، عرصه قلمرو عمومی و خصوصی مبهم شد. زن آزادانه می‌توانست هر زمان که اراده کند به بهانه رفتن به خرید از خانه خارج شود. رفتن به خرید یکی از اولین بهانه‌ها غیر از بهانه‌های سه‌گانه (مسجد، حمام و مزار) بود که زن می‌توانست در بیرون حاضر شود. چنین حضوری بین کار مفید و فراغت در نوسان بود. یعنی در حالی که زن برای منزل خرید می‌کرد، می‌توانست تفریح کند و زمان آزاد خود را در جامعه واقعی داشته باشد. مراکز خرید به این معنا هم عرصه کار (خرید) و هم عرصه لذت است. چنین فضاهایی غیر از این که شکل لذت زنان را به واسطه فراغت تغییر داده‌اند، حیطة اختیار و آزادی انتخاب آنان را نیز بیشتر کرده‌اند (کاظمی و ابادری، ۱۳۸۳: ۱۰۶).

حضور در پارک‌ها (پارک‌های عمومی) به مثابه عرصه جدید زندگی مدرن شهری، حیطة اختیار و آزادی انتخاب زنان را حتی بیشتر از گذشته کرده است؛ چرا که افزایش شهرنشینی باعث ایجاد تحول در جامعه و پیدایش نقش‌های جدیدی برای زنان می‌شود. برای مثال، زنان شاغل شده یا تحصیل می‌کنند، این داشتن شغل همراه با تحصیل و بیشتر شدن آگاهی با گذران اوقات فراغت به عنوان لازمه زندگی مدرن شهری درمی‌آمیزد و فضاهای عمومی مانند پارک را زنانه‌تر می‌کند. در این میان شکل‌گیری فضاهای عمومی مدرن نیز به این امر کمک می‌کند. فضاهای سرپوشیده عمومی مانند پاساژها و فضاهای باز عمومی مانند پارک‌ها، با دگرگون شدن ارزش‌ها و نیز از بین رفتن محدودیت‌ها، زنان را به طرف خود می‌کشاند. درست است که انتخاب پارک به عنوان فضایی برای مصرف، نشان از گسترش حیطة اختیار و آزادی زنان است، ولی باید توجه داشت که این آزادی هنوز شامل قشر کوچکی از زنان می‌شود. نتایج پرسش‌نامه (گویه ۲ در جدول ۲) گویای استقلال کم زنان در جامعه ایرانی است. ۵۰ درصد زنان بیان کرده‌اند که به همراه خانواده از پارک استفاده می‌کنند، تنها ۱۰ درصد از زنان به‌تنهایی در پارک‌ها حضور پیدا می‌کنند. البته نزدیک به ۳۷ درصد زنان نیز اذعان داشتند که به همراه دوستان از پارک استفاده می‌کنند. به عبارت کلی، زنان بیشتر به‌صورت گروهی از فضا استفاده می‌کنند. البته باید توجه کرد که زنان فضاهای شهری را به فضاهای «امن» و «نامن» تقسیم می‌کنند. این موضوع باعث می‌شود آنها در برخی از فضاهای شهری (مانند پاساژ و خیابان‌های شلوغ) بتوانند به‌تنهایی حرکت کنند؛ در حالی که ترجیح می‌دهند در برخی از فضاهای شهری (مانند پارک‌ها) به همراه دیگران باشند. بدین ترتیب، به علت منطبق سلطه و ترس از رفتار جنسی، زمینه ادراکات و بهره‌گیری بسیاری از زنان از فضای شهری محدود می‌شود.

### مشکلات زنان در عرصه عمومی

زنان به دلیل مسائل فرهنگی، یا نداشتن احساس امنیت، ساعات محدودتری را می‌توانند بیرون از خانه سپری کنند و همین خود یکی از محدودیت‌های جدی برای فعالیت اجتماعی و حضور آنان در فضاهای شهری است. زنان علاوه بر مسئولیت‌های فردی و اجتماعی خود، در چارچوب مسئولیت‌های خانوادگی اغلب مسئولیت مراقبت از کودکان، حمایت از آنان در ورود به اجتماع و فعالیت‌های روزمره‌شان را نیز بر عهده دارند. این مسئولیت‌ها محدودیت زیادی برای فعالیت و حضور زنان در اجتماع به دنبال دارد، سرعت حرکت آنها را کند و دایره حرکت‌شان را کوچک می‌کند و از نظر زمانی نیز محدودیت‌های زیادی بر آنها تحمیل می‌کند.

جدول ۳. شاخص‌های نشان‌دهنده مشکلات و محدودیت‌های حضور زنان در فضای عمومی

شاخص	متغیر	فراوانی	درصد	
به نظر شما مشکلات زنان در فضاهای عمومی چیست؟	کثیف بودن فضا	۱۸	۹/۱۸	
	روشنایی اندک فضا	۱۱	۵/۶۱	
	کافی نبودن خدمات حمل‌ونقل و اتوبوس‌رانی	۳۵	۱۷/۸۶	
	مشکلات مراقبت از کودکان	۱۴	۷/۱۴	
	ترس از مزاحمت و آزار و اذیت	۸۸	۴۴/۹۰	
	دیگر مشکلات	۲۴	۱۲/۲۴	
	جواب نداده	۶	۳/۰۶	
	جمع	۱۹۶	۱۰۰/۰۰	
	مهم‌ترین دلیل محدودیت حضور زنان امروزی در فضاهای عمومی را در چه مسائلی می‌دانید؟	مسائل فرهنگی و عرفی	۴۳	۲۱/۹۴
		نداشتن احساس امنیت	۴۷	۲۳/۹۸
وجود قوانین دست و پاگیر		۲۴	۱۲/۲۴	
بدبینی خانواده‌ها به حضور زنان در فضاهای عمومی		۵۹	۳۰/۱۰	
دیگر موارد		۲۱	۱۰/۷۱	
جواب نداده		۲	۱/۰۲	
جمع	۱۹۶	۱۰۰/۰۰		

مأخذ: نتایج تجزیه و تحلیل پرسشنامه‌ها

در ادامه به بررسی دلایل محدودیت حضور زنان امروزی در فضاهای عمومی، از دیدگاه زنان، پرداختیم (جدول ۳). نتایج حاکی از آن بود که ۳۰/۱ درصد از پاسخ‌گویان علت این محدودیت را به «بدبینی خانواده‌ها به حضور زنان در فضاهای عمومی» مربوط می‌دانستند. آنها معتقدند بنا به باور خانواده‌ها، دختران شرایط ویژه‌ای دارند که نمی‌توانند و نباید به هر کجا بروند و شب‌ها در خارج از خانه حضور داشته باشند. از دیدگاه زنان نداشتن احساس امنیت، مسائل عرفی و فرهنگی و قوانین دست و پاگیر در اولویت‌های بعدی محدودیت‌ها قرار دارد.

در میان تجربه‌های مختلفی که ممکن است به دلیل داشتن بدنی زنانه برای زنان به وجود آید، تجربه احساس ناامنی و ترس از مورد تجاوز و تهاجم واقع شدن، یکی از جدی‌ترین ترس‌هاست که تبدیل به پدیده‌ای اجتماعی در فرهنگ ایرانی به نام «احساس ناامنی زنانه» شده است (اباذری، صادقی‌فسایی و حمیدی، ۱۳۸۷: ۷۶). بررسی‌ها نشان می‌دهد که نزدیک به ۴۴/۹۰ درصد زنان مشکل اصلی خود در فضاهای عمومی را ترس از مزاحمت و آزار و اذیت دیگران می‌دانند. میشل باندز (۲۰۰۴) معتقد است ترس از خشونت و تعدی، اعتماد به نفس تعدادی از زنان را تحلیل برده و دسترسی به فضای عمومی را برای آنها محدود می‌کند. باندز دیدگاهی که معتقد است ترس یک خصیصه اساسی زنانه است را به چالش می‌کشد و معتقد است محدودیت تحرک زنان در استفاده از فضا و هم در برساخت هویت، به معنی تحت سلطه بودن آنان است (به نقل از: اباذری، صادقی‌فسایی و حمیدی، ۱۳۸۷: ۸۷).

## زنان و انگیزه حضور در فضاهای عمومی

انگیزه‌ها اگر چه در ابتدای امر ناشی از سلیقه شخصی افراد است، اما سلايق و ذائقه‌های افراد نیز خود تابعی از جایگاه آنان در اجتماع است و تحت تأثیر متغیرهای اجتماعی مانند طبقه، سن، جنسیت و دیگر عوامل قرار دارد (چاروندی، ۱۳۸۷: ۱۲۴).

جدول ۴. شاخص‌های نشان‌دهنده انگیزه استفاده از فضای عمومی

متغیر	شاخص	فراوانی	درصد
	احساس آزادی	۱۷	۸/۶۷
	حس فرار از خانه و محدودیت‌های آن	۱۸	۹/۱۸
رفتن شما به فضاهای عمومی	احساس آرامش و استراحت	۱۱۴	۵۸/۱۶
مانند پارک چه حسی را در شما	حس داشتن استقلال	۲۱	۱۰/۷۱
به وجود می‌آورد؟	دیگر موارد	۱۳	۶/۶۳
	جواب نداده	۱۳	۶/۶۳
	جمع	۱۹۶	۱۰۰/۰۰
	خودابرازی (از طریق نمایش مد و تیپ و غیره)	۵	۲/۵۵
	هویت‌یابی جنسیتی از طریق استفاده از فضا پایه‌پای	۳۲	۱۶/۳۳
	مردان و غیره		
	برقراری و ایجاد ارتباط با جنس مخالف	۳	۱/۵۳
مهم‌ترین انگیزه شما برای	ورزش و پیاده‌روی	۴۸	۲۴/۴۹
استفاده از پارک چیست؟	استراحت، رسیدن به آرامش و تجدید قوا	۵۶	۲۸/۵۷
	دیدار با دوستان، بحث و گفت‌وگو	۳۶	۱۸/۳۷
	دیگر موارد	۷	۳/۵۷
	جواب نداده	۹	۴/۵۹
	جمع	۱۹۶	۱۰۰/۰۰

مأخذ: نتایج تجزیه و تحلیل پرسشنامه‌ها

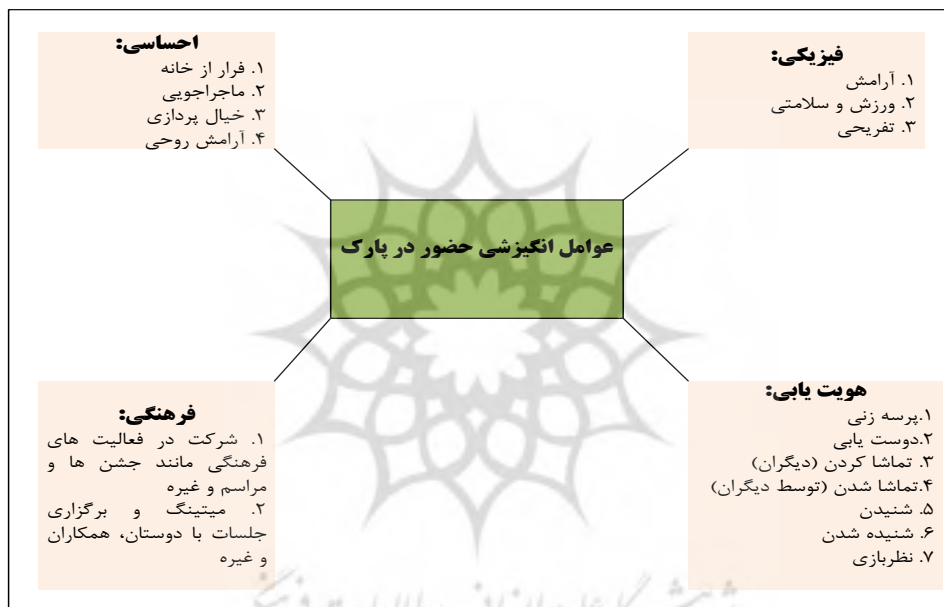
پارک‌های عمومی مکانی برای برخورد غریبه‌ها شناخته می‌شوند. اما در یک زمینه شهری شلوغ، آیا پارک عمومی تنها مکانی است که مردم می‌توانند واقعاً تنها و گم‌شده در گمنامی جمعیت باشند؟ کین وریپل (Worpole, 2000: 20) در مصاحبه‌ای که با استفاده‌کنندگان پارک در بریتانیا انجام داده است، تشریح می‌کند: «بسیاری از مردم گفته‌اند امروزه پارک را برای خلوت کردن و داشتن تنهایی بازدید می‌کنند، کاری که اغلب در خانه تحت تسلط رسانه امکان‌اش وجود ندارد». این به یک فضا با زمان شخصی صمیمی اجازه فراهم آمدن «راهی برای بازیافتن دوباره دنیای درونی<sup>۱</sup>» می‌دهد. وریپل از این هم فراتر می‌رود: «یک زمین پوشیده با درخت و موج‌دار به نظر می‌رسد بیشتر از جهان سطوح سخت موجب

1. interior world



افسون و صمیمیت انسان شود، اگرچه شواهد زیادی وجود دارد که ما همچنین می‌توانیم شکل‌هایی از صمیمیت و تعلق را در ازدحام شهری، در میادین عمومی یا در بخش بیرونی کافه‌ها پیدا کنیم (Ibid: 22).

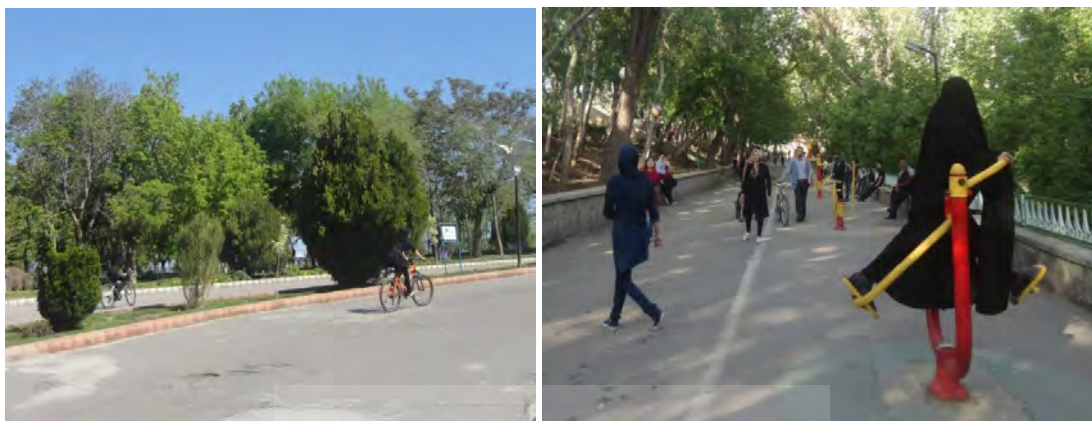
نتایج پرسش‌نامه در پارک ائل‌گلی مطابق با یافته‌های کین ورپل در زمینه انگیزه استفاده از پارک‌ها در بریتانیا است. تنها تفاوت موجود این است که در پارک ائل‌گلی جامعه آماری فقط شامل زنان می‌شود. آرامش و استراحت انگیزه بخش عمده زنان برای استفاده از پارک ائل‌گلی است. البته باید اشاره داشت که شاخص‌هایی مانند احساس استقلال، آزادی و فرار از خانه و محدودیت‌های آن نیز انگیزه نزدیک به ۲۸ درصد از زنان است که باید به آن توجه شود. به عبارت دیگر درست است که برای بخش عمده‌ای از زنان پارک‌ها همان کارکرد تفریحی - گردش‌سنتی را دارند، ولی بخشی از زنان نیز دنبال اهداف دیگری جدا از این کارکرد سنتی‌اند. هدفی که آنها را به سوی هویت‌یابی جدید زنانه رهنمون می‌کند.



شکل ۳. عوامل مؤثر بر حضور بانوان در پارک

گویه ۶ در واقع تکرار گویه ۵ به شکلی دیگر با گزینه‌های متفاوت‌تر و واضح‌تر است. در این گویه ما از شاخص‌هایی مانند خودابرازی و برقراری ارتباط با جنس مخالف (همان دوست‌یابی) به عنوان گزینه‌هایی منفی، در کنار هویت‌یابی جنسیتی به عنوان گزینه‌های فمینیستی و گزینه‌های مثبت دیگر مانند ورزش و پیاده‌روی، استراحت و دیدار با دوستان استفاده کرده‌ایم. نتایج تا حدودی قابل پیش‌بینی بود. اینکه در جامعه ایرانی با توجه به دوگانگی زیادی که بین عرف رسمی (عرفی که در محافل و رسانه‌های رسمی مثل صداوسیما، ادارات دولتی و غیره) و عرف عمومی (در خیابان‌ها، پارک‌ها، و مکان‌هایی خارج از تسلط قدرت رسمی و دولتی) وجود دارد، بسیاری از مردم زندگی دوگانه‌ای دارند. آنها در مواقع نیاز سعی می‌کنند خود را مطابق با عرف رسمی نشان دهند و در شرایط غیرضروری همراه با عرف عمومی رفتار می‌کنند. به عبارت دیگر، بسیاری از زنان با هدف تفریح و استراحت به پارک می‌روند، ولی در عین حال نمایش مد و

خودابرازی نیز جزو اهداف اصلی آنهاست. ولی چون عرف رسمی خیلی موافق با این شرایط نیست، از گفتن آن ابا دارند. البته به این معنی نیست که همه زنانی که به پارک می‌روند در جست‌وجوی نمایش خود باشند، ولی تجربه زیسته با زنان در پارک اتل گلی و پرسه‌زنی با آنها نشان می‌دهد یکی از اهداف پنهان پرسه‌زنی زنان، به‌خصوص زنان مجرد در پارک‌ها دیدن دیگران و دیده شدن از سوی دیگران است.



تصویر ۳. نمایی از ورزش زنان در پارک اتل گلی: طلا رشیدی، ۱۳۹۳ تصویر ۴. نمایی از ورزش زنان در پارک اتل گلی: طلا رشیدی، ۱۳۹۳

### مدرنیته و دگرگونی ارزش‌ها

از بین رفتن بت‌های ذهنی، دگردیسی ارزش‌ها، آگاهی یافتن انسان‌ها به اینکه دیگر بعضی چیزها در دنیای امروزی ممکن نیست، تحول فرد به عنوان ارزش متعالی در تفکر مدرن (گنجی، ۱۳۷۵: ۱۸۰) و حرکت پیوسته رو به جلوی مدرنیته به تعبیر «ژرژ بالاندیه» (جهانبگلو، ۱۳۷۶: ۹) و ارزش‌های آن، تحولات عمیقی را در ساختارهای ذهنی جامعه به‌وجود آورده است. در نتیجه دگرگونی این ساختارها، عرصه عمومی و فضاهای عمومی شهری به لحاظ کارکرد دچار تحولات عمیقی شده است، به‌ویژه در کشور ما که عرصه عمومی در برابر عرصه خصوصی و دولتی همیشه در طول تاریخ حالتی خنثی داشته و به تعبیری وجود نداشته است. به عبارت دیگر، در تنگنا قرار گرفتن عرصه عمومی باعث اهمیت یافتن عرصه خصوصی، یا به تعبیری چهار دیواری اختیاری (پیران، ۱۳۸۴) در جامعه ایرانی شده است. جامعه‌ای که در آن هر یک از ایرانیان به «جامعه‌ای مستقل» تبدیل شده‌اند که ریاست مطلقه آن بر عهده شخص افراد، محدود به چند عضو خانواده است، یا محفلی کوچکی ساخته‌اند و به دور این «جامعه مستقل» یا این «محفل کوچک» حصاری حصین از رفتار و اعتقاد کشیده، زندگی در اجتماع را برای خود نه یک اصل که یک ضرورت نامطلوب تشخیص داده‌اند (عظیمی، ۱۳۸۳: ۸).

در گویه ۷ به یکی از رسوم دیرینه فرهنگ سنتی ایرانی اشاره شده است. «زنان در فرهنگ و عرف جامعه ما نباید به‌تنهایی و بدون اجازه خانواده به پارک بروند». ۳۸/۲۷ درصد زنان موافق این گویه بوده‌اند. در مقابل ۴۶/۴۳ درصد با آن مخالف‌اند. به عبارت دیگر، برای بسیاری از خانواده‌های امروزی در ایران، حضور زنان در فضاهای عمومی دیگر امر نکوهیده‌ای نیست. چرا که انقلاب در ارزش‌ها (به تعبیر لویی دومون) جامعه مدرن را از جامعه سنتی جدا کرده است. جامعه‌ای که دیگر نه تنها بسیاری از اصول سنت را نمی‌پذیرد، بلکه امروز را هم همواره به چالش می‌کشد. از این رو وقتی

به کلام «رولان بارت» دقت می‌کنیم که زمانی گفته بود: «مدرن بودن یعنی اینکه بدانیم چه چیزهایی دیگر ممکن نیست»، متوجه می‌شویم که برای او نه فقط نقادی از سنت‌ها و باورهای جزمی، بل نکته‌ای حتی مهم‌تر از این مطرح است: چیزهایی امروز امکان‌پذیر نیستند، یعنی در زمان حاضر نمی‌توانند به نتیجه برسند (احمدی، ۱۳۷۷: ۲۷۳).

جدول ۵. دیدگاه زنان درباره دگرذیسی عرف‌ها

شاخص	متغیر	فراوانی	درصد
۱. در عرف و فرهنگ ما زنان نباید به‌تنهایی و بدون اجازه خانواده به پارک بروند	کاملاً موافقم	۲۵	۱۲/۷۶
	موافقم	۵۰	۲۵/۵۱
	نظری ندارم	۲۷	۱۳/۷۸
	مخالفم	۵۶	۲۸/۵۷
	کاملاً مخالفم	۳۵	۱۳/۸۶
	جواب نداده	۳	۱/۵۳
	جمع	۱۹۶	۱۰۰/۰۰
۲. تفریحات من در جایگاه یک زن به شرکت در مراسم و اعیاد مذهبی، یا وقت‌گذرانی با همسایه‌ها و دوستان و اقوام در خانه‌ها، یا تفریحاتی با حضور بقیه افراد خانواده خلاصه می‌شود	کاملاً موافقم	۲۵	۱۲/۷۶
	موافقم	۳۱	۱۵/۸۲
	نظری ندارم	۲۹	۱۴/۸۰
	مخالفم	۵۳	۲۷/۰۴
	کاملاً مخالفم	۵۰	۲۵/۵۱
	جواب نداده	۸	۴/۰۸
	جمع	۱۹۶	۱۰۰/۰۰
۳. در شرایط امروز نقش زنان فقط آشپزی و مراقبت از کودکان نیست، بلکه آنها می‌توانند با حضور در عرصه عمومی و ایجاد روابط اجتماعی، خود را از قید و بندهای سنتی برهانند	کاملاً موافقم	۱۰۴	۵۳/۰۶
	موافقم	۵۷	۲۹/۰۸
	نظری ندارم	۱۷	۸/۶۷
	مخالفم	۷	۳/۵۷
	کاملاً مخالفم	۳	۱/۵۳
	جواب نداده	۸	۴/۰۸
	جمع	۱۹۶	۱۰۰/۰۰
۴. دلیل اصلی زنان برای حضور نداشتن در فضاهایی مانند پارک، ملاحظه خانواده و بدبینی احتمالی آنهاست	کاملاً موافقم	۲۵	۱۲/۷۶
	موافقم	۶۰	۳۰/۶۱
	نظری ندارم	۴۹	۲۵/۰۰
	مخالفم	۳۷	۱۸/۸۸
	کاملاً مخالفم	۱۸	۹/۱۸
	جواب نداده	۷	۳/۵۷
	جمع	۱۹۶	۱۰۰/۰۰

مأخذ: نتایج تجزیه و تحلیل پرسشنامه‌ها

اساس مدرنیته تحول نگاه انسان به جهان و به‌خصوص به خودش است و تعریف تازه‌ای است که از خود و جایگاه خود در نظام عالم ارائه می‌دهد. مدرنیته اقدام به حذف تمام آن چیزهایی می‌کند که فرانسویس بیکن «بت‌های ذهنی»

می‌نامید، یعنی اعتقادات و باورهایی که خاطره فرهنگی غرب در قرون وسطی را شکل می‌داد؛ یا همان‌طور که مارکس در کتاب *گروندریسه* می‌گوید: «در جامعه مدرن هر فردی قدرت اجتماعی و رابطه‌اش را با جامعه در جیب خود حمل می‌کند» یعنی اینکه هر فردی به شکلی از اشکال صاحب قدرت اجتماعی است (جهانبگلو، ۱۳۷۶: ۱۶).

درست است که درباره این گویه، مخالفان آن بیشتر از موافقان‌اند، ولی باید اذعان کرد هنوز هم در بسیاری از خانواده‌ها و در عرف و فرهنگ جامعه ایرانی، حضور زنان به‌تنهایی و بدون مرد همراه و خانواده در عرصه عمومی و پارک‌های شهری چندان قابل پذیرش نیست.

در جامعه سنتی ایران، در کمتر از یک قرن پیش، زنان صرفاً در مکان‌های مشخصی آزادانه می‌توانستند حاضر شوند. مسجد، حمام و مزار سه قلمرویی بودند که زنان اجازه داشتند حاضر شوند. خیابان، بازار، فروشگاه و خرید، تجارت، زمین‌داری، سیاست و ... به مردان تعلق داشت. در مسجد و حمام قلمرویی زنانه وجود داشت که حریم زن از مرد حفظ می‌شد. از این لحاظ زنان بدون ارتباط با مردان حلقه‌ای زنانه را شکل می‌دادند. رفتن به مزار نیز از مناسک آخر هفته زنان محسوب می‌شد. این سه قلمرو تنها قلمرو حضور زن در جامعه نبود، بلکه یگانه قلمرویی بود که زنان به‌تنهایی و بدون حضور مرد می‌توانستند به آنجا بروند. در هر سه قلمرو «مرد خانه» بدین دلیل حضور نداشت که این عرصه‌ها از حضور مردان خالی بود. از سوی دیگر، هر سه قلمرو با امر غیرسودآور، کار بدون مزد و فراغت همراه بود (کاظمی و ابادری، ۱۳۸۳: ۱۰۵).

در گویه ۸ به این موضوع پرداخته شده است که «تفریحات من به‌عنوان یک زن به شرکت در مراسم و اعیاد مذهبی، یا وقت‌گذرانی با همسایه‌ها و دوستان و اقوام در خانه‌ها، یا تفریحاتی با حضور بقیه افراد خانواده خلاصه می‌شود». ۲۸/۵۸ درصد زنان با آن موافق بوده‌اند. در مقابل ۵۲/۵۵ درصد زنان مخالفت خود با این گویه را اعلام کرده‌اند. ملاحظه می‌شود که هنوز هم حضور تعدادی از زنان در عرصه عمومی به مراسم تعزیه و مذهبی، یا حضور در فضاهای خصوصی زنانه، یا در نهایت مراسم فامیلی و خانوادگی خلاصه می‌شود.

در گویه بعدی (گویه ۱۰) بیان شده که «دلیل اصلی زنان برای حضور نداشتن در فضاهایی مانند پارک، ملاحظه خانواده و بدبینی احتمالی آنها است». ۴۳/۳۷ درصد زنان موافق این قضیه بوده‌اند. در مقابل ۲۸/۰۶ درصد مخالف آن بوده‌اند. به عبارت دیگر، اغلب زنان معتقدند که حضور آنها به‌صورت تنها در پارک موجب بدبینی خانواده می‌شود و این ملاحظه مانعی عمده برای حضور آنها در فضاهایی مانند پارک است.

زندگی زن ایرانی (در فرهنگ سنتی) در خانه و با کارهای زنانه مانند آشپزی، نظافت، نگهداری از بچه‌ها و غیره می‌گذشت. او فرصت‌های چندانی برای تفریحات متنوع در خارج از خانه، یا حضور در عرصه‌هایی که امکان حضور مردان موجود بود، نداشت. در اینجا با استفاده از گویه‌ای، دیدگاه زنان درباره وظایف امروزی سنجش شده است. در این گویه گفته شده که «در شرایط امروزی، نقش زنان فقط آشپزی و مراقبت از کودکان نیست، بلکه آنها می‌توانند با حضور در عرصه عمومی و ایجاد روابط اجتماعی، خود را از قیدوبندهای سنتی برهانند». ۸۲/۱۴ درصد زنان موافق این گویه بوده‌اند. این تنها گویه‌ای است که در میان زنان تا این میزان اجماع درباره آن وجود دارد و تنها ۵/۱ درصد آنها مخالف بوده‌اند. در نتیجه زنان موافق‌اند که امروزه نقش آنها فقط در آشپزی و مراقبت از بچه‌ها، یا پخت‌وپز خلاصه نمی‌شود.

آنها باید بتوانند و می‌توانند در عرصه عمومی و فعالیت‌های اجتماعی در این عرصه مشارکت و درگیری داشته باشند. هرچند، تبدیل شدن این اجماع به واقعیت شاید زمان زیادی را بطلبد.

با وجود این، درباره شکل حضور زنان در خانه و بیرون از خانه شباهت زیادی با پیکره‌بندی روابط زن سنتی مشاهده می‌شود. تلویزیون، رادیو و تلفن شکل جدیدی از رابطه و فرصت خاصی برای ارتباط با بیرون از خانه را برای زنان فراهم آورده‌اند که امکان تداوم فضای خانگی به سوی عرصه عمومی را برای آنان فراهم می‌کند، بدون اینکه نقش‌های آنان در مقایسه با زن سنتی تحول چندانی یابد، یا ماهیت آن دگرگون شده باشد. یعنی در صورتی که زنان برای همراهی با فرزندان‌شان برای رفتن به مدرسه از خانه خارج می‌شوند، کماکان ارتباط آنان با فضای بیرون از خانه، با توجه به تداوم نقش‌های خانگی آنان انجام می‌گیرد. از این‌رو ضمن پذیرش اینکه زن سنتی به مفهوم تاریخی هم اکنون قابل دستیابی نیست، زن شهری حداقل با استفاده از وسایل ارتباط جمعی سرد و گرم و نیز تلفن، از داخل خانه به فضاها و اماکن گسترده‌تر و وسیع‌تری دسترسی دارد، اما نکته مهم آن است که کماکان به نظر می‌رسد این حوزه‌ها به زنان اختصاص دارد و معمولاً متعلق به آنان است.

### فضای عمومی شهری، زنان و پرسه‌زنی

پرسه‌زن و پرسه‌زنی الگویی است که والتر بنیامین در قرن ۱۹ مطرح کرد. این الگو، الگوی ایده‌آل حضور فرد در فضای شهری است؛ در آمیختن با شهر، با تمام رویدادهای آن. تجربه شهری، به معنی گم شدن و گم کردن خود در شهر به منظور رسیدن به ادراک هوشیارانه و موشکافانه از محیط شهری است. تجربه شهری جز با پرسه‌زدن در شهر ممکن نمی‌شود. فرد پرسه‌زن از شهر می‌گذرد، از هزارتوی آن عبور می‌کند، شهر و فضای شهری را لمس می‌کند، آنها را بازبینی و واری می‌کند و نانوشته‌های شهر را از خلال تصاویر و تصورات آن بازخوانی می‌کند. پرسه‌زن شهر را با تماس حواس خود درمی‌یابد، زبری و نرمی، گرمی و سردی آن را لمس می‌کند، بوی شهر و فضاها را استشمام می‌کند، همه‌مه و سکوت آن را می‌شنود (حبیبی، ۱۳۷۳: ۴۲). در واقع با پرسه‌زدن فرد در رابطه‌ای عمیق‌تر با محیط قرار می‌گیرد، چون هدف پرسه‌زن، حضور در محیط و ارتباط با آن است.

امروزه تحقیقات نشان می‌دهد که اوقات فراغت زنان از شکل‌های سنتی خود مانند حضور در مهمانی‌های زنانه، مراسم رسمی، عزاداری و غیره خارج شده و حالت برونی یافته است. به عبارت دیگر، با دگرگونی ارزش‌ها و سبک‌های زندگی سنتی، به‌ویژه در نسل‌های جوان‌تر، زنان و دختران جوان شهری وقت بیشتری برای فراغت‌های شخصی فعال و برون‌خانگی صرف می‌کنند و آن را فرصتی برای شکوفایی فردی و اجتماعی خود می‌دانند. امروزه اغلب استفاده‌کنندگان از پارک‌ها، زنان و مردان جوان و مجردند؛ کسانی که به دنبال هویت‌یابی در فضاهای عمومی‌اند. به‌ویژه این نیاز در میان زنان جوان شدیدتر است. زنان از اندرونی بیرون آمده و حضور چشمگیری در عرصه‌های عمومی دارند، حتی بعضی از این عرصه‌ها را که سابقاً بیشتر مردانه بود (مانند بازار)، امروزه تا حد زیادی زنانه کرده‌اند؛ ولی این حضور در عرصه عمومی اگرچه نه به صورت کامل، تا حدودی همراه با همان نقش‌های سنتی زنانه و نیز محدودیت‌های سنتی است. با توجه به تحولات مدرنیستی و به تبع آن هجوم افکار فمینیستی، رویکرد زنانگی (در مفاهیمی نظیر مادر، همسر و غیره) به

چالش - دست کم در میان زنان جوان، مجرد و تحصیل کرده - کشیده شده است. نگاه زنان به جهان و به خودشان عوض شده است. خیلی از مردان هم به سخن رولان بارت رسیده‌اند که امروزه «دیگر بعضی چیزها امکان‌پذیر نیست». دیگر حضور زنان در فضاهای عمومی مانند پارک و پرسه‌زنی در آن در بخش زیادی از جامعه نه تنها نکوهیده نیست، بلکه حق طبیعی آنها و حتی برای کسب هویت محسوب می‌شود. همان‌طور که در جدول ۷ آمده است، ۷۳/۷۴ درصد زنان موافق گویند «در هنگام قدم زدن در پارک گاهی وقت‌ها پیش می‌آید که من یک مسیر را چندین و چند بار دور بزنم» بوده‌اند و پرسه‌زنی در پارک را تأیید کرده‌اند. آنها با این اعمال حصارهای حصین رفتار و اعتقادات سنتی را تا حدود زیادی شکسته‌اند؛ هرچند جوامع مستقل ایرانی که از عرصه خصوصی (چهار دیواری اختیاری) وارد عرصه عمومی شده است هنوز پابرجاست.

جدول ۶. دیدگاه زنان درباره پرسه‌زنی در فضاهای عمومی

متغیر	شاخص	فراوانی	درصد
	کاملاً موافقم	۵۳	۲۷/۰۴
	موافقم	۹۱	۴۶/۴۳
	نظری ندارم	۲۸	۱۴/۲۹
۱. در هنگام قدم زدن در پارک گاهی وقت‌ها	مخالفم	۱۲	۶/۱۲
پیش می‌آید که من یک مسیر را چندین و چند	کاملاً مخالفم	۷	۳/۵۷
بار دور بزنم	جواب نداده	۵	۲/۵۵
	جمع	۱۹۶	۱۰۰/۰۰

مأخذ: نتایج تجزیه و تحلیل پرسشنامه‌ها



تصویر ۵. زنان و مردان در حال پیاده‌روی و پرسه‌زنی در پارک تصویر ۶. زنان و مردان در حال پیاده‌روی و پرسه‌زنی در پارک

طلا رشیدی، ۱۳۹۳

طلا رشیدی، ۱۳۹۳

## تظاهر و هویت‌سازی

یکی از اساسی‌ترین مسائل دربارهٔ زنان بحث هویت‌یابی دختران و زنان ایرانی است. این موضوع در بین زنان و دختران جوان به سمتی سوق یافته که بیشتر آنان از تصویری که از خود دارند و نیز جامعه از آنان دارد، راضی نیستند و به تبع آن خواهان موقعیتی جدید در جامعه‌اند. دیگر مانند نسل‌های قبل خانه‌داری و فرزندزایی نهایت آرزو و کمال یک دختر یا زن محسوب نمی‌شود.

گیدنز (جامعه‌شناس معاصر) در این باره می‌نویسد: در نسل پیش، پیوند زن و مرد مخصوصاً در ازدواج سنتی عمدتاً بر اساس نقش‌های ثابت بود. یک زن می‌دانست که چه سرنوشتی در انتظارش است - یک زندگی خانگی و خانوادگی که اساساً با بزرگ کردن فرزندان پیوند خورده بود- اما در این نسل دیگر زن بودن از نظر وظایف و هویت‌هایی که ایجاد می‌کند، معنای روشن و مشخصی ندارد. مهم‌ترین اتفاقی که در حال وقوع است، این است که دیگر زنان بر اساس آنچه فرهنگ، یا سرنوشت محتوم به آنها دیکته می‌کند، یا در چارچوب سرنوشتی که به واسطهٔ آن نقش‌هایشان از پیش تعیین شده است زندگی نمی‌کنند. نتایج پرسش‌نامه مؤید صحبت‌های پیشین است که نشان می‌دهد نگرش منفی جامعه نسبت به خانه‌داری زنان رو به افزایش است.

در شکل‌گیری هویت افراد نه تنها شرایط اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی، بلکه کنش متقابل خود آنها در روابطشان با دنیای پیرامون و دیگران نقش مهمی دارد. هویت فردی حاصل روند جامعه‌پذیری فرد از طریق زندگی در نهادهایی همچون خانواده و مدرسه است، اما کنش افراد خود به حفظ و تداوم، یا تغییر و تحول این نهادها می‌انجامد.

تسریع و نیز موفقیت در بازتولید هویت اجتماعی، ریشه در برخی عوامل فردی و ساختاری دارد که در سطح فردی بر هویت شخصی زنان (یعنی همان تعریف بازاندیشانهٔ فرد از خود) تأثیر دارد. خود این روند نیز تحت‌تأثیر چند عامل از جمله تأثیر تجربهٔ اعتماد بنیادین که هستهٔ امیدواری و منشأ داشتن شهامت در رویارویی با واقعیت‌های گوناگون زندگی است، بیش از بقیهٔ عوامل (مانند روش زندگی، هویت نقشی مسلط و گرایش فرهنگی) نمود یافته است.

اما در میان عوامل ساختاری مؤثر بر هویت‌یابی (دارایی‌ها، درآمد، وضعیت آموزش، سن، وضعیت تأهل و وضعیت اشتغال)، تحصیلات بیشترین تأثیر را در برابر باورهای کلیشه‌ای جنسیتی و هویت سنتی و در نتیجه در بازتعریف هویت اجتماعی دارد. تأثیر این متغیر از دیگر متغیرهای ساختاری و فردی بیشتر است و در میان زنان دارای تحصیلات عالی هرچه میزان تحصیلات بالاتر است، میزان رضایت از زندگی و تحقق ایده‌آل‌ها و امیدواری و اعتماد به زندگی بیشتر است و در روایت زندگی آنها، انسجام بیشتری میان ایده‌آل و واقعیت‌ها به چشم می‌خورد. در مقایسهٔ عوامل ساختاری، بعد از تحصیلات، شغل بیشترین تأثیر را دارد، اما در مقایسهٔ دو گروه زنان شاغل و غیرشاغل دارای تحصیلات عالی مشخص شده است که علاوه بر تحصیلات دانشگاهی، شاغل بودن یا نبودن تفاوت شایان توجهی در موافقت یا مخالفت با هویت‌های سنتی ایجاد می‌کند. در مجموع، زنان شاغل در برابر هویت‌های سنتی بیشتر مقاومت می‌کنند و تعریف آنها از زن ایده‌آل به زن مدرن نزدیک‌تر است. در یک جمع‌بندی کلی در مقایسهٔ میان عوامل فردی و ساختاری، موقعیت ساختاری زنان تأثیر بیشتری در بازتعریف هویت اجتماعی آنان دارد تا هویت شخصی.

جدول ۷. دیدگاه زنان درباره هویت‌سازی زنان در فضاهای عمومی

شاخص	متغیر	فراوانی	درصد
۱. فضای پارک مکان خوبی برای به نمایش گذاشتن تیپ‌ها و مدهای مختلف و جدید زنان است	کاملاً موافقم	۲۵	۱۲/۷۶
	موافقم	۳۳	۱۶/۸۴
	نظری ندارم	۳۹	۱۹/۹۰
	مخالفم	۴۹	۲۵/۰۰
	کاملاً مخالفم	۴۵	۲۲/۹۶
	جواب نداده	۵	۲/۵۵
	جمع	۱۹۶	۱۰۰/۰۰
۲. من از فضای پارک و قدم زدن در آن به عنوان روشی برای نشان دادن تیپ و مدل خود استفاده می‌کنم	کاملاً موافقم	۱	۰/۵۱
	موافقم	۱۳	۶/۶۳
	نظری ندارم	۲۶	۱۳/۲۷
	مخالفم	۵۷	۲۹/۰۸
	کاملاً مخالفم	۹۴	۴۷/۹۶
	جواب نداده	۵	۲/۵۵
	جمع	۱۹۶	۱۰۰/۰۰

مأخذ: نتایج تجزیه و تحلیل پرسشنامه‌ها

زندگی روزمره عرصه خلاقیت‌های فزاینده برای رهایی از الزامات نظم نشانه‌شناختی - کارکردی مسلط و گشایش امکانات فراخ‌تر کنش است. پارک ائل‌گلی در کنار فراهم آوردن این فرصت برای زنان که هم ببینند و هم دیده شوند، به نظر می‌رسد فضایی است که زنان عابر با نحوه پیراستن و آراستن و نیز پوشش اعتراض خود را به قالب و نظم مسلط مردسالارانه و پدرسالارانه پوشش و آرایش آشکار می‌کنند و بدین‌گونه با نظم نشانه‌شناختی مسلط و چارچوب فرهنگی خود مبارزه می‌کنند. در جدول ۷ دیدگاه زنان درباره خودابرازی در فضاهای عمومی (پارک) بررسی شده است.

درباره گویه ۱۲ «فضای پارک مکان خوبی برای به نمایش گذاشتن تیپ‌ها و مدهای مختلف و جدید زنان است»، نزدیک به ۳۰ درصد زنان موافق، ۴۸ درصد زنان مخالف و نزدیک به ۲۰ درصد نظری نداشته‌اند. این آمار نشان می‌دهد که بخشی از زنان به ویژگی نهفته در فضای پارک برای خودابرازی زنان آگاه‌اند. درباره گویه «من از فضای پارک و قدم زدن در پارک به عنوان روشی برای نشان دادن تیپ و مدل خود استفاده می‌کنم» حدود ۷۷ درصد زنان مخالف، ۷ درصد موافق و ۱۳/۲۷ درصد نیز نظری نداشته‌اند. تفاوت در این دو گویه ناشی از دوگانگی در عرف رسمی و عرف عمومی جامعه ایران است. در عرف رسمی جامعه جلب توجه زنان به هر صورت (از طریق آرایش، نوع لباس، حتی نوع صحبت و غیره) چندان مورد قبول نیست. به همین دلیل با اینکه زنان به مصرف فضای پارک برای نمایش خود آگاه‌اند، اما از ابراز آن به صورت ظاهری خودداری می‌کنند.





تصویر ۷. نمایی از نظربازی و پرسه‌زنی: طلا رشیدی، ۱۳۹۳ تصویر ۸. نمایی از دوست‌یابی و پرسه‌زنی در پارک ائل‌گلی: طلا رشیدی، ۱۳۹۳

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

تاریخچه حضور زنان در فضاهای عمومی شهر عمر بسیار کوتاهی دارد. ورود مدرنیته به جامعه ایرانی سابقه‌ای ۱۵۰ ساله دارد، اما تاریخ حضور جدی و متکثر زنان در عرصه کار و فعالیت اجتماعی به همان نخستین گروه زنانی باز می‌گردد که در اوایل حکومت پهلوی دوم به استخدام اداره‌های دولتی درآمدند و ناگزیر به رفت‌وآمد در فضاهای عمومی شهر شدند؛ یعنی عمری بالغ بر چهل یا پنجاه سال. تا قبل از این، خانه مکان خصوصی زنان شهری بود و هویت آنها در این حوزه خصوصی و در گرو طبیعت زنانه و کارکردهای جنسی و غریزی‌شان شکل می‌گرفت. به عبارت ساده‌تر زنان شهری در سنت تربیتی خانه و خانواده به گونه‌ای بزرگ می‌شدند که نه تنها هیچ تمایلی برای حضور در فضای عمومی شهر نداشتند، بلکه درکی هم از این محرومیت حضور در خود احساس نمی‌کردند و در واقع شهر از همان ابتدا برای زنان قلمروی مردانه محسوب می‌شد.

اما زنان امروزی به تبع قرار گرفتن در مسیر مستقیم امواج جهان‌بینی مدرنیته، نگرش‌های جدیدی نسبت به خود، جهان هستی و زندگی دارند و ارزش‌های جدیدی را ملاک زندگی روزمره قرار داده‌اند. مصادیق زنان امروزی آنهایی‌اند که تحولات حاصل از مدرنیسم را به نحوی لمس می‌کنند. زنان دنیای اطلاعات، عصر جهانی شدن، دنیای اینترنت و ماهواره و غیره که در مقابل مصادیق زنان سنتی‌ای قرار می‌گیرند که هیچ‌کدام از این تحولات را لمس نکرده بودند. البته اینجا تقسیم‌بندی زنان به دوره‌های مختلف منظور نیست، بلکه در حد یک تقسیم‌بندی کلی برای مقایسه تحولاتی است که در نتیجه مدرنیته در جامعه ایران امروز و دیدگاه‌های افراد این جامعه نسبت به جنس زن شکل گرفته است.

برای بررسی این تحولات سراغ پارک‌های شهری رفته‌ایم که از جمله فضاهای حاصل از جریان مدرنیته به‌شمار می‌روند. در گذشته برای گذران اوقات فراغت و تفریح باغ‌های متعددی در داخل و بیرون شهرها وجود داشت که به نحوی جزو فضاهای شهری محسوب می‌شد و اغلب به‌صورت خصوصی مورد استفاده قرار می‌گرفت. با ورود به زندگی امروزی، پارک‌ها جایگزین باغ‌ها شدند که به‌طور کامل عمومی‌اند و امکانات خیلی بیشتری را نیز در اختیار زنان قرار می‌دهند. نکته مورد تأکید این است که استفاده‌کنندگان از پارک‌ها صرفاً برای استراحت و آرامش به پارک نمی‌روند. زنان

در سنین مختلف با اهداف مختلفی به پارک می‌روند. زنان بالای ۵۰ یا ۶۰ سال ممکن است با ایده استراحت و کسب آرامش و نیازهایی از این قبیل به پارک بروند، ولی جوان‌ها در این زمینه اهداف دیگری دارند. آنها ممکن است به منظور دوست‌یابی و ایجاد روابط صمیمانه، خودنمایی، دفاع از استقلال و آزادی خود، کسب هویت جدید و دیدن و دیده شدن (پرسه‌زنی) به پارک بروند.

بدین ترتیب، درباره نحوه حضور زنان امروزی در فضاهای عمومی، نسبت به زنان سنتی دگرگونی‌هایی حاصل شده است؛ زنان از «چهاردیواری» و «اندرونی» بیرون آمده‌اند و امکاناتی مانند رادیو، تلویزیون، اینترنت، ماهواره و غیره شکل‌های جدیدی از رابطه و فرصت‌های زیادی برای ارتباط با بیرون از خانه را برای زنان فراهم آورده است. با وجود این، غالب زنان استفاده‌کننده از پارک‌ها همراه خانواده به پارک می‌روند. ۵۰ درصد زنان تحت مطالعه بیان کرده‌اند که به همراه خانواده از پارک استفاده می‌کنند و ۱۰ درصد از زنان نیز اظهار داشته‌اند که به‌تنهایی در پارک‌ها حضور پیدا می‌کنند. این آمار نشان‌دهنده ایجاد تحول در ضرورت‌های مدرنیته است، یعنی با اینکه حضور گسترده زنان در فضاهای عمومی ناشی از ضرورت مدرنیته است، اما کسانی نیز هستند که از فضا به عنوان فعالیت مدنی استفاده می‌کنند؛ مانند کسانی که برای هویت‌یابی، پرسه زنی یا دوست‌یابی به پارک می‌روند. در اینجا پیوند بین فرهنگ سنتی و امروزی کاملاً آشکار است. اگرچه زنان از اندرونی بیرون آمده و حضور چشمگیری در عرصه‌های عمومی دارند و حتی بعضی از این عرصه‌ها را که سابقاً بیشتر مردانه بود (مانند بازار) تا حد زیادی زنانه کرده‌اند، این حضور در عرصه عمومی نه به صورت کامل، ولی تا حدودی همراه با همان نقش‌های سنتی زنانه و نیز محدودیت‌های سنتی است. وابستگی اغلب زنان به خانواده برای حضور در پارک باعث شده میزان و دفعات حضور آنها هم در پارک در مقایسه با مردان محدود باشد (حداقل در این مطالعه میزان استفاده زنان از پارک محدود است. به این صورت که بیشتر از ۴۸ درصد زنان «به‌صورت اتفاقی و هر چند هفته یک‌بار از پارک استفاده می‌کنند» در صورتی که تنها ۱۲ درصد زنان «بیشتر از ۳ بار در هفته از پارک‌ها» استفاده می‌کنند). چرا که باید به همراه خانواده حضور یابند و این همان فرهنگ سنتی است که هنوز هم فعالیت زنان در عرصه عمومی را وابسته به مردان می‌کند. ولی مسئله اساسی این است که امروزه محل پاتوق زنان حمام‌های عمومی نیست، بلکه به مدد تکنولوژی دیگر حمامی برای پاتوق وجود ندارد. جمع شدن با همسایه‌ها و آشنایان محلی جلوی درب منازل و محله نیز به سبب مدرنیته و تحولات شهرنشینی، اگر نگوئیم کامل از بین رفته، ولی در بسیاری از شهرهای بزرگ کاهش شدیدی داشته است. بدین ترتیب، فضاهای جدیدی شکل گرفته که حضور زنان در آنها اگر چه در مقایسه با مردان کم بوده و با سختی همراه است، ولی اجتناب‌ناپذیر است.

## منابع

- اباذری، یوسف؛ صادقی فسایی، سهیلا؛ حمیدی، نفیسه؛ (۱۳۸۷). احساس ناامنی در تجربه زنان از زندگی روزمره، پژوهش زنان، دوره ششم، شماره ۱.
- احمدی، بابک؛ (۱۳۷۷). معمای مدرنیته، انتشارات نشر مرکز، تهران، چاپ اول.
- بهنام، جمشید؛ جهانگل، رامین؛ (۱۳۸۲). تمدن و تجدد (گفت‌وگو)، انتشارات مرکز، تهران، چاپ اول.
- بهنام، جمشید؛ (۱۳۸۶). ایرانیان و اندیشه تجدد، نشر و پژوهش فرزانه روز، تهران، چاپ سوم، چاپ اول به سال ۱۳۷۵.
- پوراحمد، احمد؛ اشرفی، یوسف؛ رشیدی، طلا؛ (۱۳۹۲). دگرگونی‌های حضور زنان در فضای عمومی شهری موردکاوی: پارک ائل‌گلی و خاقانی تبریز، فصلنامه زن در توسعه و سیاست، دانشگاه تهران، دوره ۱۱، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۲.
- پیران، پرویز؛ (۱۳۸۴). نظریه شهر در ایران (سخنرانی)، جستارهای شهرسازی، شماره ۱۲.
- جابری‌مقدم، مرتضی‌هادی؛ (۱۳۸۶). شهر و مدرنیته، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دوم، چاپ اول به سال ۱۳۸۴، تهران.
- جاروندی، رضا؛ فرقانی، نازفر؛ (۱۳۸۷). مقایسه انگیزه‌های سفر در میان دو نسل جوان و بزرگسال: مطالعه موردی مسافران شهر شیراز، پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، شماره ۲.
- جهانبگلو، رامین؛ (۱۳۷۶). مدرن‌ها، انتشارات مرکز، چاپ اول، تهران.
- ؛ (۱۳۸۱). سیاست مدرنیته و مدرنیته سیاسی، نشریه بازتاب اندیشه، شماره ۲۹.
- حیبی، سیدمحسن؛ (۱۳۷۳). نخستین پژوهش‌ها در ایران، نشریه گفت‌وگو، شماره ۳.
- حسن بیگی، م؛ (۱۳۶۶). تهران قدیم، تهران، انتشارات ققنوس.
- رحمت‌آبادی، الهام؛ (۱۳۸۷). از اندرونی تا عرصه عمومی، نشریه جستارهای شهرسازی، شماره ۲۵-۲۴.
- رهنمایی، محمدتقی؛ اشرفی، یوسف؛ (۱۳۸۶). فضاهای عمومی شهر و نقش آن در شکل‌گیری جامعه مدنی از دیدگاه برنامه‌ریزی شهری، نشریه انجمن جغرافیایی ایران، سال پنجم، شماره‌های ۱۵ و ۱۴.
- شهری، جعفر؛ (۱۳۶۷). تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم: زندگی، کسب‌وکار، جلد ۱، انتشارات اسماعیلیان، تهران، چاپ اول.
- عظیمی‌آرانی، حسین؛ (۱۳۸۳). ایران امروز در آینه مباحث توسعه (برای حل بحران‌های کوتاه و بلندمدت اقتصادی چه باید کرد؟)، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ سوم.
- کاظمی، عباس؛ اباذری، یوسف؛ (۱۳۸۳). زندگی روزمره و مراکز خرید در شهر تهران، نشریه نامه انسان‌شناسی، سال سوم، شماره ۶.
- کاظمی، مهروش؛ (۱۳۸۴). رویکردی تحلیلی به مقوله جنسیت و تأثیر آن در کیفیت فضا (نمونه تحت مطالعه: پارک فجر تبریز)، نشریه هویت شهر، سال سوم، شماره ۴، بهار و تابستان ۸۸.
- گنجی، اکبر؛ (۱۳۷۵). سنت، مدرنیته، پست‌مدرن: گفت‌وگوی اکبر گنجی با داریوش آشوری، حسن بشرویه، رضا داوری، موسی غنی‌نژاد، دفتر نخست، انتشارات مؤسسه فرهنگی صراط، چاپ اول، اسفند ۱۳۷۵، تهران.
- محمدپور، احمد؛ بهمنی، مریم؛ (۱۳۸۹). زنان پاساژ و مصرف‌نشانه‌ها، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال دوازدهم، شماره ۴۷.

Alizadeh, Hoshmand; (2007). Changes conceptions of women s public space in the Kurdish city, Cities, Vol. 24, No. 6.

Henaff, Marcel; Strong Tracy, B.; (2001). Public Space and Democracy, University of Minnesota Press, Minneapolis, London.

Panu, Lehtovuori; (2005). EXPERIENCE AND CONFLICT: The dialectics of the production of public urban space in the light of new event venues in Helsinki 1993° 2003, Helsinki University of Technology: Centre for Urban and Regional Studies Publications, Espoo, Finland.

Worpole, Ken; Greenhalgh, Liz; (1996). The Freedom of the City, Demos, London.

